

اقتصاد و آلترا توتوهای مختلف

متن گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه خط رفاه در کانال جدید، صفحه ۴



آیا حزب شایسته رهبری انقلاب وجود دارد؟ جنبش جاری میتواند تا سرنگونی حکومت به پیش برود

دو پیام از حمید تقوایی، صفحه ۲

یک سوال از اصغر کریمی به مناسبت انتشار کتاب «بیست سال جنبش کارگری در ایران»

صفحه ۳

در متروپل چه بر سر کارگران میگذشت؟

پیمان شجیراتی، برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحه ۷

نامه سرکشاده کمپین برای آزادی کارگران زندانی به صدور همین کتفراش سالانه ILO

صفحه ۱۳

دیدار معلمان با خانواده مجید کریمی، محمد حمیدی و رسول بداتی سه معلم زندانی

رها ثابت معلم، صفحه ۸

اخراج پنج هزار پرستار قرارداد موقت

صفیه راستگو پرستار، صفحه ۸

تجمعات بزرگ و سراسری بازنشستگان

مرگ بر رئیسی، صفحه ۱۷

دو بیانیه در همبستگی با مردم آبادان، برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحه ۱۴

ادامه اغصاب اسکندر لطفی و حمایت باو پشیمانی ها

صفحه ۱۶

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۳۰

۱۶ خرداد ۱۴۰۱

۶ ژوئن ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۴ خرداد: اسامی ۸۵ نفر از

قربانیان فاجعه متروپل

مردم آبادان دادخواهند، صفحه ۹

۱۲ خرداد: بیانیه اعتراضی

مردم آبادان و ادامه

اعتراضات آنان

صفحه ۱۰

اخباری از اعتراضات گسترده

کارگری

صفحه ۱۱

از فراخوان ۵ سندیکای

فرانسوی به آکسیون در

مقابل آی ال او حمایت میکنیم

۱۰ ژوئن، ژنو، فری دم ناو

صفحه ۱۲

وضعیت معلمان زندانی و

کارزار برای آزادی معلمان

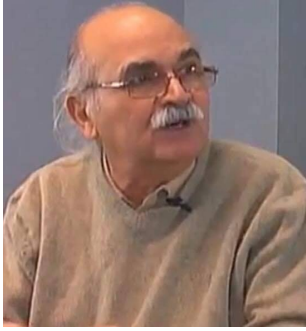
در بند

کمپین برای آزادی کارگران

زندانی، صفحه ۱۵

برگرفته از مدیای اجتماعی

صفحات ۱۱ و ۱۸



جهانی جمهوری اسلامی.

حزب کمک به هزاران پناهنده از جهانی که جمهوری اسلامی در ایران برپا کرده است.

حزبی که حتی مقامات حکومتی از آن بعنوان حزب اعتراض یاد میکنند.

چنین حزبی شایسته رهبری انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی است.

این حزب وجود دارد و من افتخار عضویت در آن را دارم. شما هم به حزب

ما بپیوندید. -۱۲ خرداد ۱۴۰۱

برگرفته از صفحه فیسبوکی حمید تقوایی

رحمانپور ها از اعدام و سنگسار. حزب کارزار برای نجات جان احمدرضا جلالی ها و حمیدرضا اژدری ها که همین امروز زیر حکم اعدام هستند.

حزبی که صدای رسای مردم بپاخاسته ایران در سراسر جهان است.

حزبی که در خارج کشور در برابر جنبش اسلام سیاسی ایستاده و تلاشهای حکومت برای توسعه نفوذش در کشورهای غربی را خنثی کرده است.

حزب مقابله با نیروهای اسلامی و مسجد سازی و برپا کردن مراسم تاسوعا و عاشورا و دیگر تلاشهای جمهوری اسلامی در کشورهای غربی.

حزبی که کنفرانس برلین، کنفرانس دو خردادیهائی که میخواستند برای رژیم

اسلامی آبرو بخزند را بر سرشان خراب کرد و در کارنامه مبارزاتش جلوگیری از برپائی دادگاه های شریعه در کانادا ثبت شده است.

حزب پرچمدار بایکوت و انزوای

آیا حزب شایسته رهبری انقلاب وجود دارد؟

حمید تقوایی

برای بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی بوده است.

حزبی که وقتی بسیاری از نیروهای اپوزیسیون به جنبش سبز و بنفش و غیره امید بسته بودند علیه همه جناحهای حکومتی و سازشکاران و استحاله چی ها فعال بوده است.

حزبی که در پلاتفرمهای مدیای اجتماعی و در رسانه ماهواره ای ۲۴ ساعته اش آئینه تمام نمای مبارزات جامعه بوده و صدا و تریبون مردمی است که علیه حکومت بپاخاسته اند.

حزبی که رابطه نزدیکی با فعالین در جنبش کارگری و جنبش معلمان و بازنشستگان و دیگر جنبشهای اجتماعی دارد.

حزب نجات جان سکینه محمدی آشتیانی ها و نازنین فاتحی ها و کبری

مبارزات جاری نیازمند رهبری است. رهبری ای که بتواند اعتراضات در عرصه های مختلف را هماهنگ و متحد کند و جنبش جاری را تا بزرگ کشیدن حکومت به پیش برد و به پیروزی برساند. آیا نیروی شایسته ای برای ایفای این نقش وجود دارد؟ آیا نیرو یا حزب سیاسی ای وجود دارد که بتواند در برابر حکومت قد علم کند و مورد اعتماد و اتکا و انتخاب جامعه قرار بگیرد؟

به نظر من حزبی میتواند رهبر مردم باشد که از ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی، با کلیت این رژیم مخالف بوده و علیه آن پیگیرانه مبارزه کرده است. حزبی که همیشه مدافع و مبشر قدرت خیابان و انقلاب توده مردم

جنبش جاری میتواند سرنوشت حکومت را پیش ببرد

حمید تقوایی

و جنایاتی که رژیم در این سال علیه معترضین در شکنجه گاه کهریزک مرتکب شد تا کشتار آبان ۹۸، و از شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی تا فاجعه متروپل، تنها چند نمونه از جنایاتی است که حکومت در سیزده سال اخیر مرتکب شده.

علیه این جنایات که از همان ابتدا با روی کار آمدن حکومت و با کشتاردهه شصت شروع شد همیشه ما مردم، معترض بوده ایم. همیشه بپاخاسته ایم و اعتراض کرده ایم. امروز هم در ادامه همین اعتراضات است که خیزش جاری در شهرهای مختلف شکل گرفته و به پیش

از ساعات اولیه بامداد امروز دوشنبه ۹ خرداد تظاهرات مردم آبادان و تجمعات اعتراضی در چند شهر دیگر از جمله شیراز، خرمشهر، مینوشهر و زاهدان آغاز شده است.

یک هفته از فاجعه ریزش برج متروپل میگذرد و بیشتر از ۲۰ روز از اعتراضات در شهرهای مختلف علیه سونامی گرانی و تورم. این جنبش به کجا می انجامد؟

در چند سال اخیر فجایعی که جمهوری اسلامی آفریده بارها جامعه را به لرزه درآورده است. از قتل ندا آقاسلطان بدست نیروهای ضد شورش در سال ۸۸



میرود. سؤال امروز اینست که آیا باز مانند ۹۶ و ۹۸ رژیم سرکوب میکند، و جنبش فرو میخوابد تا یکسال و یا دو سال دیگر دوباره سر بلند کند؟ به نظر من این بار میتواند اینطور نباشد.

این بار شرایط کاملا متفاوت است. توازن قوا بعد از ۹۸ به نفع ما مردم و به ضرر حکومت تغییر کرده و ما مردم میتوانیم کاری بکنیم که خیزش جاری تا وارد کردن ضربه نهائی به حکومت به پیش برود. راهش اینست که همه ما مردم بجان آمده بمیدان بیاییم. این بعهده ما سازماندهندگان اعتصابات، امضا کنندگان بیانیه های حمایتی، تشکلهای فعالین جنبشهای کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی، نویسندگان، هنرمندان، سلبریتی ها و سینماگران، ان

۹ خرداد ۱۴۰۱

برگرفته از صفحه فیسبوکی حمید تقوایی

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیعبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیعبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین،

پخش زنده

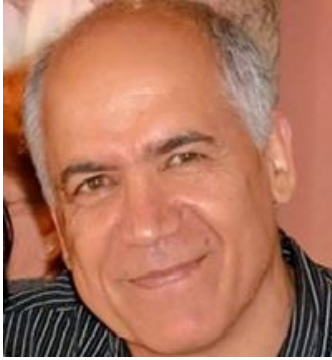
newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com



دارد و در تصویری که برخی دوستداران طبقه کارگر از این مبارزات ارائه می‌دهند، این پیشروی‌ها و موقعیت طبقه کارگر در جامعه نادیده گرفته می‌شود. شاهد تبیین‌هایی هستیم که گویی در این ۴۳ سال هیچ اتفاقی در جنبش کارگری نیفتاده و هیچ‌گونه پیشروی صورت نگرفته است. گویی همچنان کارگران پراکنده و بی‌رهبر و فاقد هر نوع تشکیلی هستند. هدف من اساساً یک دفاعیه سیاسی از جنبش نوین کارگری، از نقش رهبران آن و از نقش حزب کمونیست کارگری در مقابل دیدگاه‌هایی است که این پیشروی‌ها را نمی‌بینند و نسخه‌هایی نامربوط می‌پیچند. در طول بیست سال گذشته بسیاری از لحظات این جنبش را از نزدیک دنبال کرده‌ام و تلاش کرده‌ام تصویری واقعی و بدون اغراق از پیشروی‌های طبقه کارگر و روندهای مهم در تاریخ بیست ساله این جنبش ارائه دهم و بنظر من از این طریق و با برسمیت شناختن این پیشروی‌ها میتوان گام‌های بعدی را مشخص کرد.

خواندن این کتاب را به فعالین سیاسی در ایران، به علاقمندان جنبش کارگری و بویژه به فعالین و رهبران کارگری توصیه می‌کنم.

یک سوال از اصغر کریمی به مناسبت انتشار کتاب «بیست سال جنبش کارگری در ایران»

و چهره‌های این جنبش نقش مهمی در پیشروی جنبش کارگری داشته‌اند که در مقالات این کتاب به آن اشاره شده است. همینطور سیاست‌ها و رویکرد حزب کمونیست کارگری در قبال جنبش کارگری و نقش و تاثیر آن نیز در مطالب مختلف کتاب توضیح داده شده است. روشن است که بررسی اعتصابات و اعتراضات کارگری از زاویه خاصی صورت گرفته است. در این سالها گاه شمارهای مختلف

در این بیست سال جنبش کارگری گام‌های مهمی به جلو برداشته و سنت‌های جدیدی از خود بجا گذاشته است. طبقه کارگر در طول جدالی سخت و هر روزه رهبران مجربی را به جلو صحنه آورده، خودآگاهی زیادی کسب کرده و نقش مهمی در فضای سیاسی جامعه ایفا کرده است. این پیشروی‌ها موقعیت طبقه کارگر و نگاه جامعه به آنرا تغییر داده و در شکل‌گیری فضای چپ در جامعه نقش

کارگر کمونیست: قبل از هر چیز به شما جهت انتشار کتاب «بیست سال جنبش کارگری در ایران» تبریک می‌گویم. چه شد که به فکرانتشار این کتاب افتادید و اگر ممکن است معرفی کوتاهی از این کتاب برای خوانندگان این نشریه بدهید.

اصغر کریمی: این کتاب شامل یک مقدمه نسبتاً طولانی و ۶۳ مطلب و مصاحبه در ۳۵۰ صفحه است که در طول ۲۰ سال گذشته نوشته ام. موقع نوشتن مقالات اصلاً فکر نمی‌کردم روزی قرار است آنها را در یک کتاب منتشر کنم. اما دو سال قبل به فکر جمع‌آوری این مطالب و انتشار آنها افتادم که بدلیل تاخیری که در نوشتن مقدمه کتاب انجام شد چاپ آن دو سال به تاخیر افتاد. در این دو سال اعتصابات و اعتراضات مهمی صورت گرفت که سعی کردم در مقدمه به آنها اشاره کنم. اینرا هم اضافه کنم که آخرین مطلب این کتاب مربوط به نقش کارگر و اعتصابات سراسری و عمومی در انقلاب ۵۷ مربوط میشود و ارتباطی به دو دهه اخیر ندارد. حدود ۲۰ تا ۲۵ مقاله دیگر را به این دلیل که نکات اصلی آنها در سایر مطالب آمده بود، از این مجموعه حذف کردم.

در این بیست سال جنبش کارگری گام‌های مهمی به جلو برداشته و سنت‌های جدیدی از خود بجا گذاشته

است. طبقه کارگر در طول جدالی سخت و هر روزه رهبران مجربی را به جلو صحنه آورده، خودآگاهی زیادی

کسب کرده و نقش مهمی در فضای سیاسی جامعه ایفا کرده است. این پیشروی‌ها موقعیت طبقه کارگر و نگاه

جامعه به آنرا تغییر داده و در شکل‌گیری فضای چپ در جامعه نقش قابل توجهی داشته است. مطالب این

کتاب بسیاری از لحظات مهم این جنبش را با ذکر اعتصابات و اعتراضات کارگری در دو دهه اخیر توضیح

داده است. به یک معنی این کتاب تاریخ پیشروی جنبش کارگری در بیست سال اخیر است.

و اغلب مفیدی توسط علاقمندان به جنبش کارگری در ایران منتشر شده است. این کتاب ضمن اینکه به اعتصابات مهم این دوره اشاره میکند اما هدفش اساساً نشان دادن پیشروی‌های جنبش کارگری و نقش این جنبش در فضای سیاسی جامعه است. رویکردهای متفاوت و اکثراً نادرستی نسبت به جنبش کارگری وجود

قابل توجهی داشته است. مطالب این کتاب بسیاری از لحظات مهم این جنبش را با ذکر اعتصابات و اعتراضات کارگری در دو دهه اخیر توضیح داده است. به یک معنی این کتاب تاریخ پیشروی جنبش کارگری در بیست سال اخیر است. کتاب فقط جنبه اطلاعاتی در مورد اعتصابات کارگری ندارد. فعالین کارگری

در این بیست سال جنبش کارگری در جدالی سخت و هر روزه گام‌های مهمی به جلو برداشته و سنت‌های جدیدی از خود بجا گذاشته است؛ رهبران مجربی را به جلو صحنه آورده، خودآگاهی زیادی کسب کرده و نقش مهمی در فضای سیاسی جامعه ایفا کرده است.

حکومت اسلامی نینخواهم

مذهب در دست جمهوری اسلامی یک چماق است: چماق سرکوب اکثریت عظیم مردم! چماق حمایت از غارتگران و چپاولگران اموال مردم! سنگسار و شلاق و اعدام و تعزیر و قصاص اسلامی را بکار گرفته‌اند تا از اموال آیت‌الله‌ها و صاحبان سرمایه پاسداری کنند.

حکومت آیت‌الله‌های میلیاردی را باید بزیر کشید! شر قوانین اسلام را باید از سر جامعه کم کرد!
دست خون‌آلود مذهب از دولت و جامعه کوتاه!

بیست سال جنبش کارگری در ایران



اصغر کریمی

دهه هفاد دوره مهمی در فضای سیاسی ایران است. دوره‌ای که جوانان انقلابی و سیاسی جمهوری اسلامی آشکار می‌شوند، شکاف‌های درون حکومت به سرکه معدنی می‌رسد و مردم از این شکاف برای پیشروی خود استفاده میکنند. شورش‌های بزرگی در این دهه در شهرهای مختلف سرزند میکند و این فتنه‌های برجسته نوجوانی و سرگوش‌خانه شش روز در سال ۷۸ در تهران می‌شود. در چنین شرایطی از پایان دهه هفاد اعتصابات و اعتراضات کارگری رو به گسترش می‌گذارد. اعتصابات صنعتی بزرگ و سراسری شروع می‌شود. شکل‌های کارگری قدیم مکتب، چهره‌های متعددی با به صحنه می‌گذارد و جنبش کارگری مستطال و لشکر مبارزاتی ترقی را تجربه میکند و قدم به قدم دستاوردهای خود را تثبیت میکند.

این کتاب شامل یک مقدمه و ۶۳ مطلب کوتاه و بلند در مورد مبارزات کارگری در طول بیست سال از تولد دهه هفتاد تا پایان دهه نود ششمی است. دوره‌ای که جنبش کارگری چهره جدیدی بخود می‌بخشد، نوعیت ترقی‌ها در جامعه پیدا میکند و با رفرانسی خواست‌های عمومی مردم، به ستون فقرات جنبش آرزویخواه تبدیل میشود.

اقتصاد آلترا توتالیته مختلف

متن گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه خط رفاه در کانال جدید



حسن صالحی: شما در بحث قبلی تان اشاره کردید که ریشه بحران جمهوری اسلامی سیاسی است و گفتید که این بحران اگر جمهوری اسلامی سرنگون نشود، حل نخواهد شد. آیا از این حکم میتوان نتیجه گرفت که سرمایه داری بدون جمهوری اسلامی راه حل است و میتواند انکشاف داشته باشد؟ بعضی ها به دنیا نگاه میکنند و مدلهایی مثل کشورهای اسکندیناوی و غرب را بعنوان آلترا توتالیته مطرح میکنند. فکر میکنید اینها راه حل است؟ یعنی سرمایه داری بدون آخوند و جمهوری اسلامی شانسی دارد؟

کاظم نیکخواه: جواب من منفی است. البته بستگی دارد که چه جوابی را شما انتظار داشته باشید. بحث ما بر سر این بود که وضعیتی که در ایران وجود دارد، فشار کمر شکنی روی کارگران و مردم گذاشته و فلاکت و فقر و مشقات دیگر زندگی مردم را به جهنم تبدیل کرده. و مدام این فشار مهلک تر، کشنده تر و غیر قابل تحمل تر میشود. در پاسخ به این مسائل، سرمایه داری مطلقا راه حل نیست. یعنی سرمایه داری بدون جمهوری اسلامی هم اگر بفرض عملی شود و حاکم شود راه حل و پاسخ فلاکت و فقر و مشقات و مشکلات مردم نیست. نکته که خوب است از همین اول اشاره کنم اینست که کلا بنظر من دوره انقلابات سرمایه داری تمام شده است. عصر انقلابات سرمایه داری به پایان رسیده. سرمایه داری تمام گوشه زوایای دنیا را تسخیر کرده و وقتی که نگاه میکنی می بینی که دارد بشریت را به نابودی میکشاند. همین الان در قرن بیست و یکم حدود یک میلیارد انسان گرسنه اند و غذای کافی به آنها نمیرسد. بیش از دو میلیارد نفر با تغذیه نا کافی و فقیرانه و نا سالم به ناچار زندگی میکنند. چند ده میلیون نفر آواره اند و بارها اخباری از غرق شدن پناهندگان در دریاها را میشنویم. جنگها و مشقات انسان ها را نابود میکنند. بیسواد و فقر و بیکاری و

بی تامینی و کار کودکان و تن فروشی و اعتیاد اینها در دینا وسیعا جریان دارد و زندگی انسان ها را با مشقت و رنج فزاینده همراه کرده است. یعنی در همین قرن بیست و یکم علیرغم پیشرفتهای عظیم تکنولوژیک و تولیدی، مردم بسیاری گرسنه و بی تامین اند و دارند رنج و مشقت میکشند. هه اینها نتیجه و محصول ناگزیر سرمایه داری است. در خود ایران هم درست است که جمهوری اسلامی حاکم است اما اینجا هم سرمایه داری حاکم است. بیشتر از صد سال است که سرمایه داری در ایران حاکم بوده و دیکتاتوری پشت دیکتاتوری حاکم بوده

میکند عقلشان را از دست نمیدهند که انقلاب کنند، هزینه های سنگین بدهند که دارند میدهند و بجنگند، و بعد ثروتهای جامعه را از دست جمهوری اسلامی بیرون بکشند و به دست سرمایه داران دیگری بدهند و بعد از آنها خواهش کنند که لطف کنید و حقوقهای نجومی تان را کمتر کنید و دزدی نکنید و بیمه بیکاری بدهید و دستمزدها زیر خط فقر

مردم موقعی که انقلاب میکنند عقلشان را از دست نمیدهند که انقلاب کنند هزینه های سنگین بدهند که دارند میدهند و بجنگند و بعد ثروتهای جامعه را از دست جمهوری اسلامی بیرون بکشند و به دست سرمایه داران دیگری بدهند و بعد از آنها خواهش کنند که لطف کنید و حقوقهای نجومی تان را کمتر کنید و دزدی نکنید و بیمه بیکاری بدهید و دستمزدها زیر خط فقر نباشد! خودشان به دست خودشان خواستهایشان را عملی میکنند. و این فقر نباشد، تبعیضات طبقاتی نباشد، اختلاس حاکم نباشد، حقوقهای نجومی نباشد، اعدام و زندان های سیاسی نباشد، و کل این وضعیت وجود داشته باشد. این سیستم دیگر سرمایه داری نیست.

نباشد! خودشان به دست خودشان خواستهایشان را عملی میکنند. و این "خودشان عملی کردن" یعنی سیستمی که در آن فقر نباشد، تبعیضات طبقاتی نباشد، اختلاس حاکم نباشد، حقوقهای نجومی نباشد، اعدام و زندان های سیاسی نباشد، و کل این وضعیت وجود نداشته باشد. این سیستم دیگر سرمایه داری نیست.

حسن صالحی: یک بخش از صحبتهای شما علی العموم در مورد سرمایه داری قابل قبول است و می فهمم. اما یکی ممکن است بگوید ما کره جنوبی را هم

بفرض داریم که آنهم سرمایه داری است و دولت سرمایه داری است و رشد کرده و به لحاظ صنعتی پیشرفت عظیمی داشته است. اقتصادی دارد که در مقایسه با اقتصاد ایران کار میکند. میدانم که آنهم بر گرده استثمار طبقه کارگر حرکت میکند اما بهرحال دارد کار خودش را انجام میدهد. چرا ایران نمیتواند چنین اقتصادی داشته باشد؟

کاظم نیکخواه: عرض کردم میتواند ایران هم شاید چنین اقتصادی داشته باشد اما این پاسخ مردم نیست. من فراموش کردم به مدلهای اسکندیناوی و اینها که شما قبلا اشاره کردید اشاره ای بکنم. الان هم شما نمونه کره جنوبی را مثال زدید. ببینید در همه این کشورها سرمایه داران حاکم هستند. کارگر استثمار میشود و مشقت میکشد. من الان در انگلیس زندگی میکنم. این مملکت یکی از کشورهای پیشرفته غربی است. حدود ۵۰۰ هزار نفر در آن بیخانمانند. یعنی توی خیابان ها میخوابند. در آمریکا حدود یک میلیون نفر بیخانمان وجود دارند. در همین کشور انگلیس علیرغم اینکه از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیست قانون هشت ساعت کار تصویب شد مردم مجبورند ۱۲ ساعت و ۱۴ ساعت در روز کار کنند تا امرشان بگذرد. معلوم است که وضع این کشورها از ایران بهتر است. اما بحث بر سر این نیست که ما انقلاب کنیم و هزینه های سنگینی بدهیم که وضع فقط یک ذره بهتر شود. در مورد کره جنوبی هم همینطور است. ژاپن هم همینطور است. یعنی اقتصاد کار میکند اما بقیمت استثمار شدید کارگران. بقیمت فشار روی کرده مردم. ژاپن مثلا من خبر دارم که کارگران خیلی هایشان در کارخانه و محل کارشان زندگی میکنند.

اقتصاد و آسرتان‌های مختلف...

از صفحه ۴

در یک جامعه‌ای مثل ایران مردم انقلاب میکنند جمهوری اسلامی را به زیر میکشد و موعی که در مقابل این سوال قرار میگیرند که بالاخره چه الگوی اقتصادی را باید پیاده کنیم، بدی است که میروند خواستهای واقعی شان را عملی میکنند. مردمی که در ایران خواستهای بسیار روشن و مشخصی را دارند فریاد میزنند نمیتوانند این خواستها را کنار بگذارند و بگویند ما به حقوقهای نجومی کاری نداریم، به منزلت کاری نداریم، به اعدام کاری نداریم، به دیکتاتوری کاری نداریم و سکان اقتصاد را به دست سرمایه داران میدیم. این منطقی نیست. این واقعی نیست.

وجود ندارد. و علاوه اقتصاد ایران به دلیل ویژگیهایش نمیتواند نقش جدی ای در بازار جهانی ایفا کند. و در نتیجه ماحصلش همین میشود که امروز جمهوری اسلامی دارد پیاده میکند. و اگر سرمایه داران دیگری هم سرکار بیایند همین برنامه های ریاضت کشی اقتصادی را پیاده میکنند...

کاظم نیکخواه: بنید من نکته ام اینست که در ایران اینطور نیست که شما میتوانید مدل سوئد را بردارید بدون آن سابقه و زمینه و تاریخی که پشت آن قرار دارد پیاده کنید. فرض کنید من و شما و همه احزاب بگویند ما میخواهیم سرمایه داری را در ایران پیاده کنیم. در بهترین حالت وضعیتی مثل پاکستان را به شما تحویل میدهند. یا ترکیه که در آنها دیکتاتوری هست. زندان هست. فقر و فلاکت هم هست. تامین اجتماعی نیست و همه این مسائل. این واقعیت سرمایه داری در کشورهای جهان سوم است که با دیکتاتوری و ریاضت اقتصادی همراه است. استثنائاتی اینجا و آنجا وجود دارد. یعنی اگر شما بگویند من سرمایه داری میخواهم مبارزه طبقاتی و سیاسی به شما این امکان را نمیدهد که بگویند من آن سرمایه داری "خوبه" را میخواهم. با دفاع از سرمایه داری اتومات وارد یک لیگ یک جبهه طبقاتی، اجتماعی و سیاسی که رهبرش امثال ترامپ و بوریس جانسون و ناسیونالیستها و سلطنت طلبان هستند میشود. و یک دیکتاتوری و یک جمهوری اسلامی نوع دیگری را به شما

اسکاندیناوی و کشورهای غربی صورت گرفته که یک سری حقوقی را به سرمایه داران تحمیل کرده است. اما کارگران و مردم نتوانسته اند سرمایه داری را تماما از بین ببرند. سوال اینست که موعی که مردم امکان و حق انتخاب داشته باشند آیا میروند همانجایی که سازشی با سرمایه داری صورت گرفته را انتخاب میکنند؟ یا کلا خواستهای خود را بدون تخفیف و سازش پیاده میکنند؟ بنظر من جواب روشن است که مردم اگر بتوانند از هیچکدام از خواستهایشان کوتاه نمی آیند. شما خودتان در سوئد دارید زندگی میکنید. من هم زندگی کرده ام. آنجا هم میدانیم که کارگر مجبور است ساعتی طولانی کار کند، قدرت و تصمیم گیری دست دو تا حزب سرمایه داران بزرگ است، کارگر از زندگیش راضی نیست، مثل ایران دیکتاتوری نیست. اما برای کارگران و توده مردم خیلی وضعیت جالب و مطلوبی ندارد. بله بهتر از ایران است. بهتر از پاکستان است. بحث من اینست که اگر شما بخواهید سرمایه داری را در ایران پیاده کنید مثل سوئد نمیشود. در بهترین حالت مدل پاکستان و ترکیه را به شما تحویل میدهند.

حسن صالحی: همین را از شما میخواهم که باز کنید. شما اشاره کردید که در ایران از زمانی که سرمایه داری بوده دیکتاتوری پشت دیکتاتوری داشته ایم. بنظر میرسد که تصور اینکه یک حکومتی در ایران سرکار بیاید با بنیان اقتصادی سرمایه داری که بتواند یک سری آزادیها را بطور مشروط برسمیت بشناسد در ایران

سرمایه داری را نمیخواهند. در فرانسه ما جلیقه زردها را داشتیم که هنوز هم به شکلهایی ادامه دارد و آنها هم میگویند ما این سیستم را قبول نداریم. میدانم هنوز به مرحله ای مثل ایران که جنبش سرنگونی جریان دارد نرسیده ...

حسن صالحی: من این سوال را میخواهم اینجا تکرار بکنم. یک عده ای میگویند بالاخره اقتصاد سوئد اقتصاد سوسیال دموکراسی یا سرمایه داری با ایده های سوسیال دموکراسی وجود دارد. میگویند آیا در ایران میشود همین را پیاده کرد؟

کاظم نیکخواه: ببینید نه فقط سوئد کلا کشورهای غربی تاریخی را پشت سر گذاشته اند. اینطور نیست که یک مدل ویژه سرمایه داری خوب و سرمایه داری بد داریم. که میشود "سرمایه داری خوب" اسکاندیناوی را برداشت و در ایران پیاده کرد. این وضعیت محصول یک توازن قوا در مبارزه طبقاتی است. یک توازن قوایی در این کشورها در اثر مبارزات تاریخی بوجود آمده که این وضعیت را شاهد هستیم. همان سوسیال دموکراسی که شما اشاره میکنید خودش بیان مبارزات چپها و سوسیالیستها و کارگران این کشورها بوده که جنگیده اند و مبارزه کرده اند و هزینه داده اند و زندان رفته اند و یک شرایط و خواستهایی را به طبقه سرمایه دار تحمیل کرده اند. مثل نمونه شاه و ملکه مثلا در انگلیس که قدرت و حاکمیت شاهان معمول را ندارند. اینطور نیست که سیستم سلطنتی خوب و دموکراتیک داریم. بعضی سلطنت طلبها میگویند ما یک شاه میخواهیم مثل سیستم انگلیس! نمیشود سیستم انگلیس را بدون توازن قوایی که ایجاد شده تصور کرد. یک جنگ و جدالی صورت گرفته است که به اینجا رسیده. مردم میخواهند سیستم سلطنت را کلا از بین ببرند فقط زورشان رسید که نوکش را قبیچی کنند و قدرت سرکوب و دیکتاتوری را از شاه و ملکه بگیرند. این تاریخ را نمیشود تکرار کرد. در مورد سیستم سرمایه داری هم همینطور است. عینا یک جنگ و جدالی در کشورهای

یعنی خانه مستقل ندارند. و زیر فشار و زیر کنترل مداوم کارفرما دارند زندگی میکنند. این زندگی نیست. این بردگی مدرن است. و خیلی خیلی مسائل و مشقات دیگر وجود دارد که در همه کشورها شاهدش هستیم.

مساله اینست که ما بدورانی وارد شده ایم که سرمایه داری دیگر به ته خط رسیده و دارد کره زمین را به نابودی نزدیک میکند. دارد بشریت را به نابودی تهدید میکند. تهدید جنگهای عظیم و نابود کننده ای بدتر از جنگهای تاکنونی بالا سر مردم قرار داده شده، گرسنگی و فقر و آوارگی بیشتر و بیشتر روی زندگی مردم فشار می آورد. همه اینها یعنی اینکه دوران سرمایه داری دیگر تمام شده است. و باید سیستم دیگری را دنبال کرد. میدانم که مردم خیلی جاها بهر حال دارند زندگی میکنند. اما بحث بر سر اینست که در یک جامعه ای مثل ایران مردم انقلاب میکنند جمهوری اسلامی را به زیر میکشند و موعی که در مقابل این سوال قرار میگیرند که بالاخره چه الگوی اقتصادی را باید پیاده کنیم، بدی است که میروند خواستهای واقعی شان را عملی میکنند. مردمی که در ایران خواستهای بسیار روشن و مشخصی را دارند فریاد میزنند نمیتوانند این خواستها را کنار بگذارند و بگویند ما به حقوقهای نجومی کاری نداریم، به منزلت کاری نداریم به اعدام کاری نداریم، به دیکتاتوری کاری نداریم و سکان اقتصاد را به دست سرمایه داران میدیم. این منطقی نیست. این واقعی نیست.

اینکه سرمایه داری یک جاهایی دارد کار میکند بله. اما همچونجاها هم موعی که اعتراضات صورت میگیرد مردم وسیعا علیه سرمایه داری و عوارضش بلند میشوند. مثلا ما جنبش ۹۹ درصدیها و جنبش اشغال را در کشورهای غربی داشتیم که صدها هزار نفر در آن شرکت میکردند و علیه سرمایه داری و وال استریت و حاکمیت سرمایه شعار میدادند و اعتراض میکردند. و با این جنبش و اعتراضات دیگرشان اعلام کردند و نشان دادند که در کشورهای غربی هم مردم



اقتصاد آلترا توپای مختلف...

از صفحه ۴

نظام و مدل اقتصادی بطور اثباتی باید جایگزین اقتصاد کنونی بشود که توام با بحران و مشکلات عدیده برای مردم است؟

کاظم نیکخواه: بله سوال اصلی همین است. و جوابش اینست که در تحلیل نهایی آن چیزهایی که مردم میخواهند و میگویند عملاً پیاده میشود. و وقتی که ما از مردم صحبت میکنیم روشن است که ما به عنوان یک حزب بر فضا، بر خواستها و بر شعارها تاثیر گذاشته و میگذاریم. بر تعیین دادن به خواستها و شعارها و مبارزات تاثیر میگذاریم. در جامعه ایران مردم خواستهایی را مطرح میکند که در دنیا بی سابقه است. مردم سی چهل سال است که با این حکومت دارند مبارزه میکنند. خود این حکومت را این سیستم سرمایه داری و قدرتهای سرمایه داری به مردم تحمیل کرد. باند خمینی و اسلامی ها را. و مردم دارند میجنگند و مبارزه جریان دارد و خواستهای مردم مدام روشنتر، شفافتر و متعین تر و رادیکالتر و همه جانبه تر شده است. و این خواستها که من نمونه هایی را اشاره کردم که مثلا میگویند نه فلاکت میخواهیم و نه حقوقهای نجومی. یا میگویند فاصله طبقاتی نباید باشد، آزادی سیاسی باید همه جانبه پیاده شود. اعدام و زندان نباید باشد و غیره. یا اداره شورایی، یا زن و مرد باید برابر باشند مذهب نباید در زندگی مردم دخالت کند و از قوانین و آموزش و پرورش باید جدا باشد. اینها و خواستهای بسیار دیگری را مردم در مقاطع مختلف و در مبارزات مختلف دارند مطرح میکنند. این خودش روشن است که چه مدلی را مردم میخواهند. همانطور که اشاره کردم اینها را پیاده کنید دیگر سرمایه داری نیست. سرمایه داری یعنی جامعه ای که یک اقلیت مفتخور بر آن حاکم است. اکثریت مردم کار میکنند و استثمار میشوند و قدرت و دولت و حاکمیت و اختیارات در دست آن اقلیت سرمایه دار است. همه جا همین است. به هر شکلی. در سوئد و کشورهای غربی هم همین واقعیت حکمرانی میکند. دو تا حزب سرمایه داران بزرگ را دارید که یک دوره قدرت دست این یکی و یک دوره

تحمیل میکنند. همین جمهوری اسلامی از آسمان که نیامد. آنرا سرمایه داری به مردم ایران تحمیل کرد. به انقلاب 57 تحمیل کردند و انقلاب را به خون کشیدند و نتیجه اش این شد. بخاطر اینکه خواستهای مردم روشن نبود. مردم روشن نبودند و احزاب سیاسی درک درستی از اوضاع نداشتند. الان وضع فرق میکند. خواستهای مردم روشن است. ببینید مردم میگویند منزلت و معیشت و رفاه میخواهیم. مردم میگویند حقوقهای نجومی یعنی فلاکت عمومی. یعنی کسی نباید حقوق و املاک و ثروتهای نجومی داشته باشد. مردم میگویند زندان نمیخواهیم. اعدام و سنگسار نمیخواهیم. به یکه تازی آخوند و مذهب در جامعه باید پایان داده شود. آفازاده مفتخور نباید بالای سر مردم باشد. من میگویم بحث مدل اقتصادی را کنار بگذاریم. همین ها و دیگر خواستهای مردم را پیاده کنیم. اگر خواستهای مردم را پیاده کنیم دیگر سرمایه داری خبری نخواهد بود. سرمایه داری بدون حقوق بگیران نجومی معنی ندارد. سرمایه داری بدون داراییهای نجومی معنی ندارد. شما نمیتوانید انقلاب کنید و بعد بگویید میروم از ترامپ میپرسم ببینم چه نوع سرمایه داری برای ما مناسب است. مردم خودشان تصمیم میگیرند. و مردمی که انقلاب میکنند و میخواهند تصمیم بگیرند خواستهایشان همینهاست که اشاره کردم. میگویند کارگر نباید استثمار شود و فقیر و محروم باشد، فاصله طبقاتی نباید در جامعه وجود داشته باشد، منزلت و معیشت حق مسلم همه مردم است. بیمه بیکاری همه بیکاران باید داشته باشند. حقوق کودکان و زنان و همه مردم باید رعایت شود. کار کودکان باید ممنوع باشد، اعدام و زندان نباید باشد، همه این نوع خواستها را اگر پیاده کنیم نتیجه اش میشود یک جامعه انسانی، و از نظر ما یک جامعه سوسیالیستی و نه یک جامعه سرمایه داری.

حسن صالحی: شما نکته آخری را که میخواستم پرسیم را وارد بحثش شدید. آیا این راه حلی است که شما ارائه میدهید؟ یا اگر دقیقتر مورد بررسی قرار بدهیم چه

بعضی ها را من اشاره کردم. این خواستها بخواید پیاده شود دیگر سرمایه داری نیست. سرمایه داری بدون حقوق بگیر نجومی و بدون مفتخور و آقا زاده و استثمار و سرمایه داری که در آن مردم منزلت و معیشت داشته باشند، کار کودک ممنوع باشد، حقوق انسانی بطور واقعی عملی شود، معنایش اینست که یک جامعه انسانی است. که ما به آن میگوییم جامعه سوسیالیستی. این جواب ماست. این وضعیتی است که باید عملی شود. گفتم میشود مثل مصر مردم انقلاب کنند اما یک ژنرال و تیمساری اوضاع را با کودتا بدست بگیرد و قدرت را بزور دست خودش بگیرد و تسمه از گردن کارگر و مردم بکشد و جمهوری اسلامی نباشد اما سرمایه داری سرکوبگر باز هم حاکم شود. اما ما نباید تردید داشته باشیم که تا زمانی که سرمایه داری در این کشورها حاکم باشد، دیکتاتوری و فقر و فلاکت حاکم خواهد شد. و باز باید بجنگیم علیه دیکتاتوری جدید. چون که سرمایه داری بدون دیکتاتوری آشکار در این کشورهای جهان سوم عملاً معنا ندارد. و اگر شما در کشورهایی مثل اسکانلندناوی و امثالهم یک سرمایه داری ملامتری می بینید بخاطر یک جنگ و جدال و توازن قوا و تاریخی است که پشت آن قرار دارد. و این تاریخ را نمیشود برداشت در جای دیگری کپی کرد. سرمایه داری را به شما میدهند و نه تاریخ و توازن پشت آنرا. و آن سرمایه داری یعنی دیکتاتوری، استثمار فقر بیکاری و بی تامينی. اینها جزء جدایی ناپذیر سرمایه داری است که دارد دنیا را مدام به مرز نابودی میکشاند.

حسن صالحی: کاظم نیکخواه ممنون که در این گفتگو شرکت کردید

دست آن یکی است. در آمریکا بدتر از این. در انگلیس هم بدتر از آن. همه جا قدرت و اختیارات و ثروتها در دست یک اقلیت است. در ایران ما چه کار میخواهیم بکنیم؟ آیا میخواهیم روی دست کشورهای دیگر نگاه کنیم و شرایط آنها را کپی کنیم؟ میگوییم نه. ما مردم انقلاب میکنیم و قدرت را خودمان بدست میگیریم. شوراهای مردم بدست میگیرند. اجازه نمیدهیم که آقا زاده ها و کرگدن ها و مفتخوران بیایند بر مردم حکومت کنند. درمان را رایگان اعلام میکنیم. آموزش را رایگان میکنیم. همه چیزهایی را که بازنشسته فریاد میزند، دانشجو میگوید، زن معترض میگوید، کارگر هفت تپه و فولاد و نفت میگوید، اداره شورایی و دیگر خواستها را فریاد میزند، اینها را ما باید عملی کنیم. نمیتوانیم از اینها کوتاه بیاییم و مثلا بگوییم نصفش را نمیخواهیم بخاطر اینکه در آمریکا نیست یا در کره جنوبی نیست. همه اش را ما میخواهیم. و خیلی بیشتر را میخواهیم. موقعی که مردم به پیروزی میرسند و جمهوری اسلامی را سرنگون میکنند تمام خواستهایشان را روی میز میگذارند و میگویند باید عملی شود. الان فرصت نیست که من نشان بدهم که خواستهایی که در اعتراضات همین شش ماه گذشته، در اعتراضات هفت تپه، در اعتراضات نفت و پتروشیمی ها و جاهای دیگر مطرح شده، در خیابان مطرح شده، در خیزشهای همین امروز در آبادان و جاهای دیگر دارد مطرح میشود، اینها را روی میز میگذاریم و میگوییم باید عملی شود. کاری هم به مدلهای نداریم. مردم انقلاب که میکنند نمیگویند این مدل یا آن مدل. خواستهایشان را جلو میگذارند. خواستهایشان چیست؟ همین ها که

در متروپل چه بر سر کارگران می‌گذشت؟



پیمان شجیراتی

در متروپل چه بر سر کارگران می‌گذشت؟ ساختمان فرو ریخته متروپل در آبادان به همان اندازه که نماد و نمونه ای مشخص از فساد سیستماتیک و ساختاری در ایران است

در ابعاد دیگری نشان و نمادی است از ظلمی که به طبقه کارگر در ایران روا داشته می‌شود و استثمار و بهره‌کشی که از کارگر صورت می‌گیرد.

متأسفانه آن چه که تا به الان مغفول و نادیده گرفته شده، وضعیت کارگران پرشماری است که در این ساختمان و در لحظه ریزش آن در محل کار خود حضور داشته‌اند.

از ابتدای بروز این فاجعه به دستور وزیر کشور و استاندار خوزستان، موضوع اطلاع‌رسانی درباره تعداد کشته‌شدگان این فاجعه، موضوعی امنیتی تلقی شد.

به جز سه روز اول اکنون بیش از یک هفته است که اجازه ورود خبرنگاران و حتی خانواده‌ها به محوطه آواربرداری داده نمی‌شود و تنها تعدادی خبرنگار خودی و وابسته به نهادهای حکومتی مجوز تهیه خیر و گزارش از روند آواربرداری و انتشار اخبار آن هم با نظارت شدید مقامات مستقر در محل را دارند.

این رویکرد سبب شد تا این لحظه هیچگونه آمار صحیح و مستندی از تعداد افراد موجود در زیر آوار و جانباختگان در دست نباشد. با این حال بررسی‌های صورت گرفته توسط منابع مستقل و مطلع و ویدیوهای انتشار یافته از کارگرانی که بیرون از ساختمان بودند، نشان از این دارد که بین یکصد تا یکصد و پنجاه کارگر در روز فاجعه، در ساختمان مشغول به کار بوده‌اند.

هلدینگ ساختمانی عبدالباقی بیش از سیصد نفر در مشاغل مختلف را در استخدام خود داشته است. از این تعداد برخی افراد در مشاغل همچون نقشه برداری، نقشه‌کشی، مهندسی ساختمان، ناظر و کادر اداری رابطه مستقیم کاری با این هلدینگ داشته‌اند که حدود پنجاه نفر را در بر می‌گیرد. با توجه به این که پروژه

تقریباً در مراحل پایانی قرار داشته و سه طبقه از ده طبقه آن کامل و تنها از طبقه چهارم به بعد برخی کارهای ناتمام در حال تکمیل شدن بودند بنابراین طبیعی است که تعداد کارگران مشغول به کار در پروژه از سیصد نفر اولیه کمتر شده باشد.

این هلدینگ برای بکارگیری افراد در مشاغل ساختمانی و تاسیساتی اقدام به تأسیس ده‌ها شرکت پیمانکاری صوری کرده بود و از طریق این پیمانکاری‌ها کارگران ساختمانی را بکار گرفته است.

بر اساس تحقیقات میدانی صورت گرفته، با کارگران این هلدینگ هیچگونه قرارداد کاری تنظیم نمی‌شده و همگی به صورت روزمزدی مشغول بوده و دستمزد آنها هم توافقی تعیین شده است.

علاوه بر این هیچ‌کدام از کارگران تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی نبوده و کارفرما مجموعه کارگران را تنها زیر پوشش بیمه حوادث کارگاهی قرار داده بوده که البته اعتبار پوشش بیمه ای حوادث کارگاه مزبور از ابتدای سال ۱۴۰۱ تمدید و تجدید نشده بود.

موضوع ایمنی هم در خصوص این کارگران کاملاً نادیده گرفته شده است. لباس کار مناسب و پوتین ایمنی، از سوی مالک و پیمانکار پروژه در اختیار کارگران گذاشته نشده و اغلب با لباس شخصی در کارگاه مشغول بوده‌اند.

به علاوه تمامی کارگرانی که مجبور به کار در ارتفاع بوده‌اند (ارتفاع ساختمان سی متر است) از هیچگونه تجهیزات فردی و تجهیزات ایمنی مناسب برخوردار نبوده‌اند.

عبدالباقی به دلیل نفوذی که در همه ادارات و سازمان‌های منطقه داشته از مصونیت کامل برخوردار بوده است. این موضوع تنها به مسئله تخلفات فنی در سازه متروپل خلاصه نمی‌شود بلکه کارگاهی به این وسعت و حجم از کار، هرگز مورد بازرسی اداره کار و سازمان تأمین اجتماعی برای نظارت بر شرایط کاری کارگران و بیمه آنها قرار نگرفته است.

بررسی‌های انجام شده توسط تعدادی از دوستان و فعالین حاضر در محل، حاکی

از آن است که روز دوم خرداد ماه آمار غذایی ارسال شده برای رستورانی که غذای کارگران از آنجا تأمین می‌شده است ۱۶۰ بوده، بنابراین روشن است تعدادی از این نفرات (نه همه کارگران) به هنگام فرو ریختن ساختمان در ساعت ۱۲ و ۳۷ دقیقه ظهر که ساعت ناهار کارگران بوده در طبقه G- از طبقات زیر زمین که در بخشی از آن کارگران از فرصت یک ساعته خوردن ناهار استفاده می‌کردند حضور داشته‌اند.

بر اساس این بررسی، هفت نفر از کارگران در طبقه سوم مشغول کار دکور بندی و اجرای ام دی اف در یکی از واحدها بوده و تعداد دیگری از کارگران ساختمانی در طبقه چهارم حضور داشتند. مابقی برای صرف ناهار در زیر زمین ساختمان بوده‌اند.

گفته می‌شود در روز فاجعه، خانمی که از بستگان مالک ساختمان و از کارکنان هلدینگ بوده گفته است ۱۰۸ کارگر در زیر زمین بوده‌اند. این گفته با فایل صوتی که از یکی از کارگران که در زمان فرو ریختن ساختمان برای خرید از مجموعه بیرون آمده بود و می‌گوید ۱۱۰ نفر از همکارانش در زیر زمین بوده‌اند مطابقت دارد.

علاوه بر این شنبه‌هایی وجود دارد که هنوز نمی‌توان درستی یا نادرستی آن‌ها را تأیید کرد. اما به این دلیل که نباید از کوچکترین اطلاعاتی بر فرض نادرستی آن گذر کرد به آن اشاره می‌کنم.

گفته می‌شود در بین کارگران شاغل در این پروژه دستکم پنج کارگر افغان وجود داشته‌اند که به دلیل ممنوعیت اسکان اتباع خارجی در آبادان این افراد به صورت

مخفیانه در آن جا کار و زندگی می‌کرده‌اند.

شنیده دیگر این است که دو نگهبان این ساختمان همراه با خانوادهای خود در دو کانکس مجزا در طبقه پارکینگ کار و زندگی می‌کرده‌اند.

همینطور گفته شده که شماری از دیگر کارگران از شهر اندیمشک و همینطور از شهرهای استان لرستان در این مجتمع مشغول به کار بوده‌اند.

تلاش مقامات حکومتی بر این بوده که تعداد آسیب دیدگان اعم از زخمی‌ها و جانباختگان را به حدود ۸۰ نفر تقلیل دهد. سندی که از مکاتبه مدیرکل ستاد بحران استانداری خوزستان با مدیریت شرکت بیمه آسیا و رییس شورای هماهنگی شرکت‌های بیمه بازرگانی خوزستان صورت گرفته اما خلاف این ادعا را ثابت می‌کند.

در این سند که تصویر آن در اختیار ما قرار دارد و تاریخ آن مربوط به چهارم خرداد ماه یعنی دو روز پس از فاجعه ریزش متروپل است، صراحتاً از این شرکت بیمه ای درخواست شده برای جبران خسارت‌های وارده در اسرع وقت برای ۲۰۰ نفر بیمه‌نامه حوادث گروهی بدون نام و همینطور بیمه مسئولیت ناشی از اجرا و آسیب ساختمانی و اشخاص ثالث صادر گردد!

این سند دلالت بر تعداد تقریبی و احتمالی جان باختگان و زخمی‌شدگان دارد که اگر سی و هفت نفر زخمی و نجات یافته را از آن کسر کنیم، نزدیک به ۱۶۳ نفر (تقریبی) باقی می‌ماند که این آمار با تحقیقات و بررسی‌های ما تطابق و همخوانی دارد. ادامه صفحه ۸

دیدار معلمان با خانواده مجید کریمی، محمد حبیبی و رسول بدایقی سه معلم زندانی



هعدم آزادی همکاران بازداشتی موجب تشدید اعتراضات جنبش معلمان خواهد شد. در همین روز جمعیهایی از معلمان در همبستگی با همکاران زندانی خود محمد حبیبی و رسول بدایقی به دیدار خانواده آنها رفتند.

بدینگونه ما معلمان با کارزاری گسترده و سراسری از جمله با برپایی تجمعات اعتراضی، با دیدار با خانواده های همکاران زندانی و با طومار اعتراضی ای که تا کنون بیش از سه هزار نفر آنرا امضا کردند برای آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزاتشان تلاش میکنیم.

رها ثابت. معلم

شامگاه جمعه، ۱۳ خردادماه، جمعی از فعالین صنفی و معلمان شهرستان سقز به نشانه حمایت و همبستگی به دیدار خانواده مجید کریمی معلم زندانی رفتند. مجید کریمی در جریان تجمع روز دهم خرداد ماه معلمان در سنج در اعتراض به ادامه بازداشت همکارانشان و برای آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها بازداشت شد. مجید کریمی در آخرین تماس تلفنی با خانواده گفته است که تا پای جان بر سر مطالبات صنفی، به عنوان یک معلم ایستاده است. در این دیدار چهار تن از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان که از روز گذشته در اعتصاب غذا به سر می‌برند نیز حضور داشتند. حاضرین در این دیدار تاکید کردند ک



معیشت پرستاران و کل جامعه است. در اعتراض به این اخراجها پرستاران تا کنون تجمعات اعتراضی بسیاری برپا کردند و لازمست اعتراضات آنها مورد حمایت وسیع مردم قرار گیرد. صفیه راستگو- پرستار

حداقل به صد هزار نیروی پرستار در بیمارستانها مورد نیاز است. در نتیجه این بیکارسازیها مستقیما بر روی وضعیت بیمارستانها و مراکز درمانی تاثیر گذاشته و موجب وخامت بیشتر سطح درمان و بهداشت در کل جامعه میشود. به عبارت روشتر این اخراجها تعرضی به زندگی و

مردم و نیز فعالین عرصه های مختلف در اعتراضات میدانی خود خواستار شفاف شدن این ابهامات و اطلاع رسانی دقیق و صحیح از تعداد قربانیان فاجعه شده و نیز با شناسایی خانواده های داغدیده این فاجعه از آنها خواسته شود تا سکوت خود را شکسته و در مورد فشارهای وارده به آنها و احيانا تلاش ها برای تطمیع آنها پرده بردارند. برگرفته از کانال تلگرامی اتحادیه آزاد کارگران ایران

عضو خانواده خود باشند. این موضوع در مورد احتمال حضور کارگرانی از استان لرستان هم صدق می کند و حتی این امکان وجود دارد که خانواده هایشان از بروز این فاجعه و محل کار عزیزان خود بی اطلاع باشند. سوم آن که قطعا حکومت تلاش خواهد کرد تا از فقر و نیازمندی شدید بعضی خانواده ها سوء استفاده کرده و با وعده پرداخت خسارت آنها را به سکوت مجاب نماید. در چنین شرایطی لازم است عموم

اخراج پنج هزار پرستار قرار داد موقت

بیماری مرگبار مبتلا و شمار زیادی جان خود را از دست دادند. بگذریم که امروز پرستاری که تحت پوشش تامین اجتماعی کار میکند، کارش جزو مشاغل سخت و زیان آور محسوب نمیشود و سطح دستمزدهایشان به هیچ وجه کفاف زندگی شان را نمیدهد. از جمله در رابطه با همین مشکلات در همین هفته در هشتم خرداد ماه این پرستاران مقابل وزارت تامین اجتماعی تجمع داشتند. اکنون اکنون با بیکارسازی ها معیشت و زندگی این 5 هزار پرستار به خطر افتاده است. بعلاوه اینکه این اخراجها فشار کاری بر روی پرستاران شاغل را نیز افزایش میدهد. بویژه اینکه بنا بر گزارشات در حال حاضر

با شروع همه گیری کرونا وزارت بهداشت و بسیاری از مراکز درمانی خصوصی اقدام به استخدام پرستاران با قراردادهای کوتاه مدت ۸۹ روزه کردند و در این ایام تعداد زیادی پرستار به صورت تمديد طرح، قرارداد موقت و شرکتی جذب کار شدند. پرستارانی که این روزها با فروکش کردن این بیماری و علیرغم تمام خدماتشان از کار بیکار شدند. از جمله محمد میرزاییگی رئیس کل سازمان نظام پرستاری از اخراج 5 هزار پرستار از کار خیر میدهد. 5 هزار پرستاری که در جنگ با کرونا و حکومت کرونایی در صف مقدم بودند. در این جنگ بسیاری از آنها به این

در متروپل چه بر سر کارگران...

از صفحه ۷

کنند. دوم آن که بسیاری از کارگران از مناطق خارج از شهر همچون فیه، خضر و جزیره مینو برای کار به این محل می آمده اند.

کارگرانی که از طبقات تحتانی و خانواده های بسیار فقیری هستند و خانواده های آنها بعضا حتی قادر به صحبت کردن به زبان فارسی نیستند و نمی دانند باید به کجا مراجعه کنند و چگونه پیگیری وضع فرزند یا

جدای از جان باختگانی که اجساد آنها کشف شده، مسئله دیگری که سبب شده تا آماری از مفقودین در دست نباشد سکوت خانواده هاست که چند دلیل عمده می تواند داشته باشد. دلیل اول این است که از لحظات اولیه حکومت فشار بسیار زیادی را بر خانواده های قربانیان فاجعه وارد کرده تا از اطلاع رسانی و صحبت در این باره خودداری



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

حاکمیت حکومت اسلامی نیست. قبل از آن آتش سوزی ساختمان پلاسکو را داشتیم و همین امروز نیز لیست طولی از ساختمانها و اماکن وجود دارند که در خطر فروریزی هستند و بخشی از آنها در همین مدت انتشار پیدا کردند. با ادامه اعتراضات باید جلوی تکرار چنین جنایاتی را گرفت. معرفی و محاکمه علنی کلیه مسئولین و ارگان های دخیل در فاجعه متروپل در صدر خواستهای مردم آبادان و خانواده های قربانیان این فاجعه انسانی قرار دارد. مردم آبادان طی بیانیه هایی با اعلام خواستهای خود بر این مطالبه تاکید کرده اند. واحد خوزستان از خواستهای اعلام شده آنان قاطعانه حمایت کرده و به ادامه حمایت ها و همبستگی با مبارزات مردم در این شهر تاکید دارد.

نابود باد حکومت اسلامی!

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

- واحد خوزستان

۱۴ خرداد ۱۴۰۱، ۴ ژوئن ۲۰۲۲

(۸۱) حمید فالی پور، (۸۲) محمدرضا ایزد رضایی، (۸۳) آرمان قیصری، (۸۴) نصیری ۸۵-الیافی ...

واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری مراتب همدردی و تسلیت خود را به خانواده های جانباختگان این فاجعه انسانی و همه مردم آبادان وهمه مردم اعلام میکند. واحد خوزستان حزب تلاش میکند لیست کامل قربانیان این فاجعه را تهیه و صدای دادخواهی مردم باشد. از همین رو از همه مردم میخواهیم که دقت کنند که اگر اسم کسی در این لیست جا افتاده است و اسامی دیگری از قربانیان این اتفاق ناگوار در اختیار دارند خبر دهند که به این لیست اضافه شود. این لیست باید همراه با تصاویر جانباختگان بعنوان نمونه ای دیگر از جنایات جمهوری اسلامی و بساط مافیایی و رانت خواری حاکم در سطح جهانی انعکاس یابد.

ساختمان متروپل و فاجعه ای که روی داد تنها نمونه فجایع این جامعه تحت

او و باند مربوطه شدند.

معرفی و محاکمه علنی کلیه مسئولین و ارگان های دخیل در فاجعه متروپل اکنون در صدر خواستهای مردم و خانواده های قربانیان این فاجعه انسانی قرار دارد نابود باد حکومت اسلامی!

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری - واحد خوزستان

۱۵ خرداد ۱۴۰۱، ۵ ژوئن ۲۰۲۲

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

۱۴ خرداد: اسامی ۸۵ نفر از قربانیان فاجعه متروپل

مردم آبادان دادخواهند

پور، (۳۱) ملیکا صالحیان پور، (۳۲) فاطمه خلفی زاده، (۳۳) امیر لفتوی، (۳۴) حسین سعیدوی پور، (۳۵) منصور عیدانی، (۳۶) سیروس فروردین، (۳۷) مسلم شیرین کلام فرحانی، (۳۸) رحمان بهبهانی، (۳۹) امیر بهبهانی، (۴۰) کاظم جزاوی، (۴۱) لفته چنانی، (۴۲) فرشادخواجوی، (۴۳) امید صالحی، (۴۴) رامین ریزی، (۴۵) افشین ریزی، (۴۶) فرزاد خواجوی، (۴۷) محمد خواجوی، (۴۸) بابک خواجوی، (۴۹) ابراهیم آقایی، (۴۹) شهرام آقایی، (۵۰) تورج امید، (۵۱) ایرج امید، (۵۲) علی صالحی، (۵۲) امین صالحی، (۵۳) فاطمه صادقی، (۵۴) معصومه صادقی، (۵۵) عصمت رجبی، (۵۶) فرشته صادقی، (۵۷) افسون طلایی، (۵۸) امل دلفی، (۵۹) زهرا دلفی، (۶۰) پژمان طلایی، (۶۱) جواد صادقی، (۶۲) اکبر رجبی، (۶۳) فتحعلی خواجه، (۶۴) فرضعلی خواجه، (۶۵) خسرو خواجه، (۶۶) غلام ایزدپناه، (۶۷) شهلا عامری، (۶۸) بیژن عامری، (۶۹) مارال عامری، (۷۰) آرش پرویز زاده، (۷۱) یوسف جباری، (۷۲) فرید کنعانی، (۷۳) کیوان زهری، (۷۴) عبداللطیف همیلی، (۷۵) مارال عامری، (۷۶) افسانه پرویز زاده، (۷۷) افسانه اکللی، (۷۸) فسون زمانی، (۷۹) علی نیک پور، (۸۰) محمد حمیدیان،

در حالیکه جمهوری اسلامی تلاش داشت آمار قربانیان فاجعه متروپل آبادان را پنهان کند، بنا بر خبر دریافتی واحد خوزستان تا کنون اسامی ۸۵ نفر از قربانیان توسط گروههای مردمی مشخص شده است که بیش از هشتاد درصد آنها کارگرانی هستند که در این ساختمان به کار اشتغال داشتند. طبق همین گزارشات شمار جانباختگان ممکن است دو برابر این تعداد باشد. اسامی تا کنون منتشر شده قربانیان فاجعه آبادان عبارتند از:

(۱) سجاد حمد زاده، (۲) پیمان باوندی، (۳) کاظم ناصر مطوری، (۴) مرتضی ابراهیمی مقدم، (۵) امیر گرنای، (۶) طارق قیوم، (۷) کریم بندری، (۸) معدی اسماعیلی، (۹) حسین سیدوی، (۱۰) مسیح صادقی، (۱۱) نادیا کعبی، (۱۲) سالار کشفی، (۱۳) علی رضا بغلانی، (۱۴) محسن صالحی زاده، (۱۵) فوزی جلیلیان، (۱۶) عرفان جلیلیان، (۱۷) آریین جلیلیان، (۱۸) حمیدرضا جلیلیان، (۱۹) رامین معصومی، (۲۰) شیرین معصومی، (۲۱) مریم قربانی، (۲۲) علی رضا دریس، (۲۳) هاشم بحرانی، (۲۴) دانیال خسروی، (۲۵) منصور تقی پور، (۲۶) آمنه امینی نیا، (۲۷) حسن مطوری، (۲۸) منظر مطوری، (۲۹) کیومرث علی مدد، (۳۰) میترا صالحیان

۱۵ خرداد: اسامی قربانیان فاجعه متروپل به شما دو هفت رسید

مردم آبادان پیگیر لیست کامل قربانیان این جنایت هستند

بازماندگان این قربانیان علیه بساط مافیایی حاکم است. علاوه بر اسامی ۸۵ نفر که روز گذشته انتشار دادیم امروز اسامی خیراله دریس و حسن دالوند به این لیست اضافه شده است. با کمال تأسف همانطور که قبلاً گزارش کردیم شمار قربانیان بیش از اینهاست و بر آوردها از تعداد نزدیک به ۲۰۰ نفر سخن میگویند که بخش بزرگ آنها کارگران محرومی هستند که در زیر دست پیمانکار مفتخور این ساختمان عبدالباقی کار میکردند و علیرغم هشدارهای قبلی قربانی سودجویی های

قبلا اسامی ۸۵ نفر از قربانیان فاجعه متروپل آبادان را منتشر کردیم. مردم دادخواه آبادان در پی روشن کردن اسامی همه قربانیان این فاجعه هستند و با روشن شدن اسامی دوتن دیگر از قربانیان اکنون اسامی جانباختگان شناخته شده این فاجعه به ۸۷ نفر رسیده است. لیست کامل قربانیان متروپل همراه با عکس هایشان سند جنایت عبدالباقی و باند مافیایی مقاماتی است که پشت این جنایت قرار دارند. اعلام این اسامی سند اعلام کیفرخواست خانواده ها و



به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!



ما مردم آبادان مثل همه مردم شهرهای دیگر از آب محرومیم، از هوای سالم محرومیم، از نان محرومیم، از هر گونه تامینی محرومیم و امنیت هم نداریم. ما مطالبه گرم و پیگیر همه مطالباتمان و حق برخورداری از یک زندگی درخور انسان هستیم. ما همه با هم هستیم و تا آخر کنار هم می ایستیم تا به بساط مافیایی فاسد حاکم پایان دهیم. دیگر ظلم بس است. جمهوری اسلامی نابود باید گردد."

این بیانیه فریاد دادخواهی مردم آبادان است. این بیانیه را میشود در تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف قرائت کرد و با خواستههای مطرح شده در آن اعلام حمایت و پشتیبانی کرد. خواستههای بیانیه مردم آبادان میتواند موضوع بیانیه های مشترک همبستگی و اعتصابات حمایتی از آنان باشد. این بیانیه را میشود بصورت طولوماری اعتراضی در همه شهرها و محلات به امضا گذاشت و در سطح سراسری از آن حمایت کرد.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ خرداد ۱۴۰۱، ۲ ژوئن ۲۰۲۲

محاکمه کلیه مسئولین و ارگان های دخیل در فاجعه متروپل هستیم. باید محاکمه آنها علنی باشد. ما مردم آبادان خواهان آزادی فوری و بدون قیدو شرط دستگیر شدگان اخیر و پایان دادن به فضای امنیتی شهر آبادان هستیم. ما مردم آبادان خواهان خروج فوری نیروهای سرکوبی که برای خفه کردن اعتراضات بر حق ما از شهرهای دیگر به این استان گسیل شده،

"مردم آبادان خوانان معرفی و محاکمه کلیه مسئولین و ارگان های دخیل در فاجعه متروپل هستیم. باید محاکمه آنها علنی باشد. ما مردم آبادان خواهان آزادی فوری و بدون قیدو شرط دستگیر شدگان اخیر و پایان دادن به فضای امنیتی شهر آبادان هستیم. ما مردم آبادان خواهان خروج فوری نیروهای سرکوبی که برای خفه کردن اعتراضات برحق ما از شهرهای دیگر به این استان گسیل شده، هستیم. م از همه مردم در شهرهای مختلف که در همبستگی با ما دست به تظاهرات زده و به اشکال مختلف به ردی خود را با مردم آبادان و خانواده که عزیزانشان قربانی جنایت متروپل شدند قدردانی میکنیم."

"بکر فقه از بیانیه مردم آبادان"

هستیم. ما از همه مردم در شهرهای مختلف که در همبستگی با ما دست به تظاهرات زده و به اشکال مختلف همدردی خود را با مردم آبادان و خانواده هایی اعلام کردند که عزیزانشان قربانی جنایت متروپل شدند، قدردانی میکنیم.

۱۲ خرداد: بیانیه اعتراضی مردم آبادان و ادامه اعتراضات آنان

مردم داغدار آبادان در وسط شهر و جزیره مینو برگزار شد که شهروندان بسیاری از شهرهای آبادان، شادگان، خرمشهر و جزیره مینو در این تجمع حضور داشتند. بعلاوه در این روز تجمع اعتراضی دیگری در لین احمدآباد برگزار گردید. بنا بر

فضای اعتراض و خشم در آبادان ادامه دارد. بنا بر خبرهای دریافتی واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری، در این شهر اینترنت همچنان قطع است و با اختلال همراه میباشد. همچنین فعالان اجتماعی و روزنامه نگاران و خبرنگاران را از شرکت در مراسم خاکسپاری جانباختگان منع کرده و موبایل و دوربین تعدادی از خبرنگاران ضبط شده است. طبق گزارشات هم اکنون قرارگاه خاتم سپاه در منطقه ساختمان فرو ریخته متروپل مستقر شده و کار آواربرداری در بخش زیر زمین ساختمان به کندی پیش میرود.

همبستگی ها با مردم آبادان ادامه دارد. از جمله شماری از شهروندان ساکن استان های کردستان، کرمانشاه و ایلام با حضور در مراسم سوگواری جانباختگان فاجعه متروپل، همدردی و همبستگی خود را با خانواده های قربانیان این جنایت اعلام کردند.

همانطور که قبلا گزارش کردیم روز گذشته مراسم خاکسپاری سه عضو خانواده جلیلیان در آبادان با حضور شمار فراوانی از مردم خشمگین و عزادار و در میان شعار "آبادان دلش چه خونه" صورت گرفت. و نیز همزمان با خاکسپاری این خانواده تجمع اعتراضی بزرگی از سوی

خبرهای ارسالی به واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری در این تجمعات بیانیه ای از سوی مردم آبادان پخش شد که در آن بر خواستههای فوری مردم این شهر تاکید شده است. متن بیانیه را در زیر میخوانید:

"ما مردم آبادان خواهان معرفی و

برخی از شعارهای اعتراضات مردمی در ایران:

مرک بر خاندن اسی	توپ تانک فشفه، آخوندیاید کم بش
مرک بر رئیس مرک برویکتا تور	دشمن ما همین جاست، دروغ میکن آمریکاست
اینمه سال جنایت، مرک بر این ولایت	تسرید، تسرید ما همه با هم، هستیم
مرک بر اصل ولایت فقیه	خانده اسی قاتله ولایتش باطله"
فرمانده کل قوا استعفا استعفا	پسچی برو کمشو
ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیما ی ما	خانده اسی جیاکن، مملکت رار ماکن
ما همه اهل جگیم، بجنگ تا بجنگیم	رئیس جیاکن مملکتور ماکن
مرک بر ستمگر	فقط کف خیابون به دست میاد حقون
مرک بر جمهوری اسلامی	
تا دیکتا تور رو کاره / قیام ادامه داره	
فقر، تبعیض، جنایت / مرک بر این ولایت	
آزادی، آزادی، آزادی	
زندانی سیاسی آزادیاید کردو	
جمهوری اسلامی نابود یاید کردو	
جمهوری اسلامی میخوایم میخوایم	
آزادی برابری حق مسلم ماست	

اخباری از اعتراضات گسترده کارگری

در کنار اعتراضات خیابانی، اعتراضات در میان کارگران و بخش های مختلف کارگری گسترده است. خبرهایی از آن را در زیر میخوانید:

- صبح روز ۱۲ خرداد کارگران مجتمع نیشکر کارون با خواست همسان سازی حقوق و تبدیل وضعیت از قرارداد موقت به رسمی بار دیگر و برای دومین روز متوالی دست به اعتراض زده و مقابل ساختمان اداری کارخانه تجمع کردند. به گفته کارگران در تجمع روز گذشته زیر فشار اعتراضات آنها برخی مسئولان از بانک کشاورزی به عنوان سهامدار این شرکت حاضر شده و وعده هایی در ارتباط با مطالبات کارگران و موضوع انفصال از خدمت مدیریت مجموعه دادند. اما کارگران به این وعده ها و اجرایی شدن آنها باور نداشته و به اعتراض خود ادامه دادند.

- روز ۱۲ خرداد کارکنان صنایع شیشه آذر در اعتراض به وضع بد معیشتی و کاری و تعویق چند ماهه پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب و در محل شرکت تجمع کردند.

- روز ۱۱ خرداد کارمندان شرکت مخابرات زنجان در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان مقابل دفتر مدیریت این شرکت، تجمع کردند.

- روز چهارشنبه ۱۱ خرداد ماه، بازنشستگان و مستمیری بگیران تأمین اجتماعی در زنجان برای سومین روز متوالی در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم تصویب افزایش حقوق و صدور احکام جدید و سایر مطالبات اعلام شده خود مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند. در همین رابطه در همین روز بازنشستگان رشت و تبریز نیز تجمع داشتند. قبل از آن نیز در روز هشتم خرداد در ادامه یکشنبه های اعتراض بازنشستگان در شهرهای کرمانشاه، تبریز، اهواز، قزوین و مشهد تجمع داشتند. یک شعار بازنشستگان در این اعتراضات آبادان، آبادان تسلیت، تسلیت بود. بازنشستگان

در این تجمعات همچنین با شعار "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد" خواستار آزادی همکار بازنشسته خود شدند که از فروردین سال گذشته در زندان است.

اسماعیل گرامی به ۵ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است و این حکم باعث انزجار بازنشستگان شده است.

- روز چهارشنبه ۱۱ خرداد ماه کارکنان مخابرات ایلام در اعتراض به معوقات حقوقی خود دست از کار کشیده و تجمع کردند.

- روز ۱۰ خرداد کارگران کارخانه آذراب اراک که از اوایل اردیبهشت ماه در اعتراض به دریافت نکردن حقوق اسفند و فروردین در تجمع و اعتراض هستند، دفتر مدیریت را مسدود کردند و اجازه ورود مدیر به دفترش را ندادند. در پی این اقدام کارگران آذراب توانستند حقوق یک ماه دستمزد معوقه خود را دریافت کنند.

- روز سه شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۱، تعدادی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و عملی نشدن رای انفصال از خدمت مدیرعامل در مقابل این مجتمع تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰۲۲ ژوئن ۲، ۱۴۰۱ خرداد ۱۲

اعتصاب رانندگان کامیون

شهرستان دلفان، کشت و

صنعت کارون و یک خبر دیگر

روز ۱۶ خرداد رانندگان و کامیونداران شهرستان دلفان - لرستان در اعتراض به کمبود سهمیه گازوئیل، گرانی ها و سطح نازل دریافتی ها و شرایط سخت کاری و بنا بر فراخوان شورای هماهنگی رانندگان

نامه ی شورای باطنی تشکل های صنفی فرسنگیان ایران به آموزش بین الملل:

جان اسکندر به طور جدی در خطر است و دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی ایران مسئول سلامت و جان اسکندر است.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران، فشارهای ظالمانه و اتهامات واهی علیه فعالان صنفی معلمان از جمله اسکندر لطفی، رسول بدقایی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه را به شدت محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط این افراد همچنین دیگر فعالان صنفی بازداشت شده از جمله: مژگان باقری، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، اصغرامیرزادگان، محمد عالی شوندی، محمدعلی زحمتکش، عبدالرزاق امیری، مهرداد یغمایی، حمید عباسی، غلامرضا غلامی کندازی، هادی صادق زاده، ایرج رهنما، مجید کریمی، مسعود فرهیخته و همچنین محتومه کردن هر چه سریعتر پرونده های باز شده برای ایرج انصاری، وحید گودرزی و صلاح آزادی می باشد.

(شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران
۱۰ خرداد ۱۴۰۱
برگرفته از مدیای اجتماعی

اسکندر (سوران) لطفی، عضو انجمن صنفی معلمان استان کردستان، مریوان و سخنگوی شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران، از ۱۰ خرداد ۱۴۰۱ دست به اعتصاب غذای خشک زد.

اسکندر که از یازده اردیبهشت در بازداشت می باشد، از طریق تماسی تلفنی با خانواده ی خود اعلام کرد که دست به اعتصاب غذای خشک زده است. نیز اسکندر لطفی به خانواده اش اطلاع داد که تحت فشارهای شدید و فزاینده ای برای اعتراف اجباری برای پذیرش اتهامات واهی به سر می برد.

اسکندر لطفی در این تماس تلفنی اعلام کرد که در اعتراض به این فشارهای مذبحخانه و بازداشت غیرقانونی خود که بیش از یک ماه از آن می گذرد، چاره ای جز اعتصاب غذای خشک برایش باقی نمانده است. همچنین قابل ذکر است که تماس تلفنی اسکندر زمانی توسط بازجویان وی قطع شد که او قصد داشت موضوع مهم دیگری را به خانواده خود اطلاع دهد.

وضعیت سلامتی اسکندر پیش از این تصمیم مصمم برای اعتصاب غذای خشک، بسیار وخیم بود و در این مرحله سراسر کشور مبنی بر اعتصاب سراسری دست از کار کشیدند.

روز ۱۶ خرداد جمعی از کارگران مجموعه شهرداری شوش؛ در اعتراض به محقق نشدن وعده های داده شده و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دوباره دست به اعتراض زده و فرمانداری شوش تجمع کردند.

- روز ۱۵ خرداد کارگران کشت و صنعت کارون شوشتر در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و با خواست همسان سازی حقوق خود دست به اعتصاب زدند. این کارگران قبلا نیز در این رابطه در دهم خرداد ماه تجمع داشتند.





جمهوری اسلامی به رعایت حقوق بنیادین کارگران و معلمان و مزدبگیران از جمله حق آزادی بیان و حق تجمع و اعتراض، اعزام هیاتی بین المللی از سوی سازمان جهانی کار و فدراسیون های بین المللی اتحادیه ای جهت بررسی شرایط نیروی کار به ایران و نشست با تشکلهای مستقل صنفی و دیدار با فعالین صنفی زندانی در ایران و خانواده های آنها، و اخراج نمایندگان دولت ساخته ی ایران از هیئت مدیره سازمان جهانی کار و عدم حمایت از انتخاب مجدد آنها در این هیات مدیره به دلیل نقض مداوم مقوله نامه های بین المللی.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم از طومار اعتراضی معلمان با خواست اخراج جمهوری اسلامی از هیات مدیره سازمان جهانی کار حمایت و پشتیبانی میکند و همه بخشهای جامعه را به امضای ای طومار فرا میخواند. جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی بایکوت و از آی ال او اخراج شود.

Shahla.daneshfr2@gmail.com

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

<https://free-them-now.com/>

۱۵ خرداد ۱۴۰۱، ۵ مه ۲۰۲۲

تشکیل اجلاس سازمان جهانی کار و در مقطع اعتراضات گسترده مردمی در ایران و ادامه جنایات و سرکوبگریهای حکومت، ما طی نامه ای سرگشاده خطاب به اتحادیه های کارگری و نهادهای اناساندوست در سطح بین المللی بر سه خواست فوری اعتراض به حضور حکومت اسلامی در کنفرانس آی ال او، تحریم هیات رژیم اسلامی در سازمان جهانی کار، فشار آوردن برای آزادی کارگران و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی و اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید داریم. جمهوری اسلامی نیز باید همچون حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی در سطح جهان بایکوت شود.

همچنین شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان و چند تشکل مستقل صنفی دیگر نیز طوماری خطاب به هیات های نمایندگی شرکت کننده در کنفرانس آی ال او به ویژه نمایندگان اتحادیه های کارگری بین المللی ارسال کرده و از آنها خواسته اند که به دلیل عدم اجرای مقوله نامه های سازمان جهانی کار و نقض حقوق اولیه کارگران در ایران، حکومت اسلامی از هیات مدیره سازمان جهانی کار کنار گذاشته شوند. تا کنون بیش از سه هزار نفر این طومار را امضا کرده اند. معلمان در این نامه بر نکات مهمی تاکید کرده اند: رفع فوری و بی قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمام دستگیر شدگان، ملزم کردن

از فراخوان سندیکای فرانسوی به آکسیون در مقابل آی ال او حمایت میکنیم

دهم زوئن، میدان ملل ژنو

(کنوانسیون های ۸۷ و ۹۸) خودداری کرده است. به هر حال، این دولت رسماً عضو این سازمان است و این که برخلاف استانداردها و تصمیمات این نهاد عمل می کند به هیچ وجه قابل توجیه نیست. از سوی دیگر ایران دو میثاق بین المللی حافظ عمده حق تشکیل اتحادیه های کارگری، پیوستن به اتحادیه ها و ملاقات با اتحادیه های کارگری کشورهای دیگر را امضا کرده است: - میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) ماده ۲۲؛ - میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (PIDESC / ICESCR) ماده ۸. با وجود این، دولت ایران ده ها نفر را که در چارچوب این دو متن امضا شده توسط دولت ایران، عمل می کنند، سرکوب می کند برای حمایت از سندیکالیست های و معلمان دستگیر شده و در جهت آزادی فوری آن ها ما تظاهرات ایستاده ای ترتیب می دهیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) از فراخوان اتحادیه های کارگری در فرانسه اعلام حمایت کرده و در تجمع روز دهم ماه زوئن مقابل آی ال او شرکت خواهد کرد. علاوه فری دم ناو برنامه هایی برای بازتاب صدای اعتراض کارگران و کل جامعه در سطح بین المللی را در دستور کار دارد. اکنون در مقطع

اجلاس بین المللی سازمان جهانی کار از ۲۷ ماه مه آغاز شده است. ۵ سندیکای فرانسوی کنفدراسیون عمومی کار (CGT)، فدراسیون سندیکایی متحد (FSU)، کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار (CFDT)، اتحاد ملی سندیکاهای خودگردان (UNSA) و اتحاد سندیکایی همبستگی برای ساعت ۱۲ ظهر روز جمعه دهم ژوئن ۲۰۲۲ به تجمع در محل میدان ملل ژنو مقابل اجلاس سازمان جهانی کار فراخوان به تجمع داده اند. این آکسیون در اعتراض به جمهوری اسلامی و محکوم کردن سرکوبگریهای این حکومت است. دو سندیکای سوئیسی یعنی (CGAS) و سندیکای خدمات عمومی ژنو (SSP) نیز از این فراخوان اعلام پشتیبانی کرده اند.

در این فراخوان چنین آمده است: "در روزهای اخیر موج عملیات سرکوب گسترده ای علیه کارگران، معلمان و سایر مزدبگیران به راه افتاده است. یک سلسله دستگیری ها، احظارها و بازداشت ها به اتهامات کاملاً واهی و ساختگی به وقوع پیوسته اند. جمهوری اسلامی ایران از تصویب بسیاری از متون اساسی سازمان جهانی کار، از جمله متون مربوط به آزادی تشکیل اتحادیه های کارگری، حمایت از حقوق سندیکایی و مذاکرات جمعی

فراخوان چهار سندیکای فرانسه و حمایت دوسندیکای سوئیس برای، بمبستگی با سندیکالیست ها و معلمان در ایران

معلمان دستگیر شده و در جهت آزادی فوری آن ها ما تظاهرات ایستاده ای ترتیب می دهیم. جمعه ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲ از ساعت ۱۲ صبح مقابل کاخ ملل در ژنو کنفدراسیون عمومی کار - (CGT) فرانسه، اتحادیه اتحادیه های کارگری همبستگی - (Solidaires) فرانسه اتحادیه ملی اتحادیه های کارگری خودمختار - (UNSA) فرانسه با حمایت: سندیکای ژنو - (CGAS) سوئیس، سندیکای خدمات عمومی ژنو - (SSP) سوئیس

از سوی دیگر ایران دو میثاق بین المللی حافظ عمده حق تشکیل اتحادیه های کارگری، پیوستن به اتحادیه ها و ملاقات با اتحادیه های کارگری کشورهای دیگر را امضا کرده است: - میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) ماده ۲۲؛ - میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (PIDESC / ICESCR) ماده ۸. با وجود این، دولت ایران ده ها نفر را که در چارچوب این دو متن امضا شده توسط دولت ایران، عمل می کنند، سرکوب می کند. برای حمایت از سندیکالیست های و

است. یک سلسله دستگیری ها، احظارها و بازداشت ها به اتهامات کاملاً واهی و ساختگی به وقوع پیوسته اند. جمهوری اسلامی ایران از تصویب بسیاری از متون اساسی سازمان جهانی کار، از جمله متون مربوط به آزادی تشکیل اتحادیه های کارگری، حمایت از حقوق سندیکایی و مذاکرات جمعی (کنوانسیون های ۸۷ و ۹۸) خودداری کرده است. به هر حال، این دولت رسماً عضو این سازمان است و این که برخلاف استانداردها و تصمیمات این نهاد عمل می کند به هیچ وجه قابل توجیه نیست.

میدان ملل، ژنو، جمعه ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲ به مناسبت کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، ما تشکلات سندیکایی امضا کننده این فراخوان، همه را به شرکت در یک تظاهرات ایستاده در روز جمعه ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲ در مقابل مقر سازمان ملل متحد در ژنو فرا می خوانیم. از این طریق این سازمان ها اعتراض خود را نسبت به اقدامات سرکوبگرانه اخیر مقامات جمهوری اسلامی ایران به گوش همگان می رسانند. در روزهای اخیر موج عملیات سرکوب گسترده ای علیه کارگران، معلمان و سایر مزدبگیران به راه افتاده

نامه سرگشاده به صد و دهمین کنفرانس سالانه ILO

رژیم اسلامی ایران باید از سازمان بین المللی کار اخراج و در سراسر جهان تحریم شود



رژیم آپارتاید جنسی آشکارا جنایت علیه بشریت است. و اینها که اشاره شد تنها موارد معدودی از میلیون ها شمار نا محدودی از جنایاتی است که این رژیم انجام داده است.

سوال اصلی ما این است که چرا آی ال او سازمان جهانی کار در برابر چنین ابعادی از جنایات و وحشی گریها سکوت کرده است؟ مماشات با چنین رژیم آدمکشگی قطعاً سرکوب و جنایات آن را افزایش خواهد داد. مردم ایران از شما پاسخ می خواهند. این بی تفاوتی ها و این مماشات ها برای مردم ایران انزجار آور و غیرقابل بخشش است. رئیس جمهور کنونی حکومت اسلامی (ابراهیم رئیسی) یکی از سه جلا د حکومت است که مستقیماً در کشتار هزاران زندانی سیاسی در دهه شصت نقش داشته است.

این رژیم وحشی و آدمکش باید مانند رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی در سراسر جهان تحریم شود و رهبران آن محاکمه شوند. اخراج نمایندگان این دولت از سازمان بین المللی کار ILO اولین گام در این راستا است و این همان چیزی است که از سازمان بین المللی کار انتظار می رود.

من به عنوان سخنگوی Free Them Now، این نامه را برای شما و سازمان بین المللی کار می نویسم و انتظار دارم در کنار سایر اسناد به مجمع عمومی کنفرانس شما ارائه شود.

با احترام، شهلا دانشفر
سخنگوی Free Them Now (FTN)
<https://free-them-now.com/>

بسر می برند. رژیم اسلامی با این دستگیری ها آشکارا کنوانسیون های سازمان بین المللی کار را که آنها را امضا کرده است زیر پا می گذارد و شما سکوت کرده اید و نمایندگان این دولت را در سازمان بین المللی کار پذیرفته اید!

حکومت اسلامی حتی علیه چهار معلم و چند کارگر و فعال اجتماعی به دلیل ملاقات با دو شهروند فرانسوی بنامهای سیسیل کولر" و همسر وی "ژاک پاری"

جاسوسی تشکیل داده و آنها را میخوهد به محاکمه بکشد و آشکارا قصد دارد آنها را به مجازات های سنگین زندان محکوم کند. و شما سکوت کرده اید و از همین دولت در سازمان بین المللی کار استقبال می کنید!

و در آخر باید به مرگ و قتل زندانیان در زندان ها به دلیل محرومیت از دارو و درمان اشاره کنم. آخرین نمونه شناخته شده آن، قتل بکتاش آبتین، نویسنده محبوب آزادیخواه و شناخته شده ایرانی است که حکومت به او اجازه دسترسی به دارو و درمان را نداد و تنها در آستانه مرگ به او اجازه داده شد که به بیمارستان منتقل شود و تحت درمان قرار گیرد. وی متأسفانه بلافاصله پس از انتقال به بیمارستان درگذشت. جنایات این رژیم بسیار است. در مورد سوابق ضد کارگری و ضد انسانی این رژیم هر چقدر مدرک می خواهید میتوانیم به شما ارائه کنیم.

سوال از شما این است که نمایندگان چنین رژیمی چگونه در جلسه شما حضور دارند؟ جنایات رژیم اسلامی، این

نزدیکان قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی صاحب آن بود. فقدان زیرساخت های مستحکم از ابتدا در آن مشهود بود و اختراهای متعددی از سوی کارگران به مالک و مقامات محلی داده شده بود. اما صاحب ساختمان و مسئولین گوش نکردند و اقدامی برای جلوگیری از وقوع یک فاجعه انجام ندادند. بیش از ۸۰ درصد قربانیان این فاجعه انسانی کارگرانی بودند که به صورت قراردادی در آنجا کار می کردند و از هر گونه بیمه و هر گونه حقوقی محروم بودند. در میان این کارگران چندین کارگر افغان نیز بودند که چون اجازه و امکان زندگی در شهر را نداشتند با خانواده خود در همان محل زندگی می کردند و همه زیر ویرانه ها نابود شدند. شما خوب می دانید که چنین مواردی در ایران منحصر بفرد نیست و بارها اتفاق افتاده است که یک نمونه دیگر آن آتش سوزی در پلاسکوی تهران در سال ۲۰۱۷ بود که در آن نیز صدها نفر قربانی شدند.

نکته قابل توجه اینست که در فاجعه آبادان حکومت به جای کمک به نجات افراد زیر آوار مانده و حمایت از بازماندگان قربانیان، اولین کاری که انجام داد اعزام نیروهای سرکوب مسلح به شهر برای سرکوب اعتراضات بود. و بسیاری را دستگیر کردند و به زندان انداختند.

یکی دیگر از مصادیق سرکوب حکومت، تشدید فشارهای امنیتی بر معلمان است. حتماً از اعتراضات گسترده معلمان در ایران مطلع هستید. اعتراض آنها به وضعیت بد معیشتی، گرانی و محرومیت کودکان از تحصیل رایگان و افزایش تعداد کودکان کار است.

اسماعیل عبدی، دبیر سابق کانون صنفی معلمان، شش سال است که در زندان به سر می برد. او به ۱۶ سال زندان محکوم شده است. به کدام "جرم"؟ فقط بخاطر دفاع از حقوق معلمان و اعتراض به همین شرایطی که اشاره شد. معلمان زیادی در روز جهانی کارگر دستگیر شده اند که هفده نفر از آنها همچنان در زندان

آقای گای رایدر!

مدیر کل ILO، ژنو، سوئیس

ژوئن ۲۰۲۲

به عنوان سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) این نامه را برای شما می نویسم تا آرزو و خواست مردم ایران مبنی بر اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار و تحریم جهانی آنرا اعلام کنم.

بی شک شما از سیاست های سرکوبگرانه و حتی جنایتکارانه رژیم اسلامی در قبال کارگران و مردم ایران آگاه هستید. سازمان ما و کارگران ایران در این زمینه گزارش ها و نامه های زیادی برای شما ارسال کرده اند. اما متأسفانه مماشات با این رژیم جنایتکار توسط آی ال او ادامه یافته است. آیا مواردی از نقض حقوق کارگران و مردم که در این نامه ها اشاره شده برای اخراج چنین رژیمی از نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی کار کافی نیست؟

جنایات فاجعه بار بسیاری مانند اعدام کودکان، شلیک راکت به هوپیمای مسافری اوکراینی و کشته شدن ۱۷۷ سرنشین هوپیمای، رهاکردن پناهجویان افغان در بیابان ها، اعدام های دسته جمعی در زندان ها و سرکوب روزانه کارگران، معلمان، زنان و جوانان در دفاع از حقوق اولیه خود، همگی بارها توسط سازمان ما به شما گزارش شده است. فکر نمی کنم نیازی به تکرار مجدد آن موارد در اینجا باشد. در اینجا توجه شما را به چند مورد از تازه ترین موارد نقض حقوق کارگران و مردم ایران توسط رژیم اسلامی و جنایات این رژیم جلب می کنم.

تازه ترین موردی که باید به آن اشاره کنم فاجعه فروری سازی ساختمان متروپل آبادان در ۲۲ اردیبهشت ماه است که بیم آن می رود حدود ۲۰۰ نفر که اکثراً کارگران قراردادی هستند، در آن قربانی شده باشند. این ساختمان هنوز در حالت نیمه تمام بود و کارگران در آن کار میکردند و یک پیمانکار بنام حسین عبدالباقی از

به اتحادیه های کارگری:

- به حضور حکومت اسلامی در کنفرانس آی ال او اعتراض کنید!
- هیئت رژیم اسلامی ایران را تحریم کنید
- خواهان آزادی تمامی کارگران و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی در ایران شوید!
- خواهان اخراج رژیم اسلامی ایران از سازمان بین المللی کار شوید!

بیانیه: "نه به ظلم! در کنار مردم آبادان، هستیم!"

بیش از ۶۵۰ نفر از زندانیان سیاسی، خانواده های دادخواه، نویسندگان، شاعران و اهالی هنر و فرهنگ، فعالان کارگری، معلم ها، کنشگران حوزه های اجتماعی و سیاسی، اعضای تشکل ها، اتحادیه های صنفی و احزاب، روزنامه نگاران و اصحاب رسانه و تحلیلگران، وکلا، فعالان جنبش زنان و حقوق بشر ای حق بهره مندی مردم از عرصه های عمومی برای بیان مطالبات و اعتراض هایشان را به رسمیت شناخته و هرگونه اعمال خشونت از سوی حاکمیت را محکوم کردند و به ظلم "نه" گفتند.

مردم آبادان و ایران جملگی عزادار و دادخواهند. امروز کمتر ایرانی می یابید که به دلیل سیاست ها، اهداف و عملکرد ایدئولوژیک و غیر مسئولانه ی حاکمیت و دولت های چند دهه ی اخیر، داغدار عزیز به ناحق از دست رفته ای نباشد. فرزندان، پدران و مادران، خواهران و برادران ما هر کدام از ظلمی، برای همیشه دیده در نقاب خاک کشیده اند.

ما امضاکنندگان این متن خود را در کنار مردم به ماتم نشسته بر خیابان ها می دانیم و اعلام می کنیم، همانطور که حاکمیت خیابان ها را در اختیار اعوان

بیانیه عمومی در حمایت از مردم داغدار و مبارز آبادان

روز دوم خرداد فاجعه ریزش ساختمان #متروپل آبادان رخ داد. تاکنون ده ها نفر زخمی و 49 نفر جانباخته اند. بیش از یک هفته است که خود مردم با ابتدایی ترین امکانات شخصی شبانه روز در تلاش برای از زیر آوار بیرون آوردن قربانیان و زندگان احتمالی این فاجعه هستند.

فاجعه ای که در اصل یک جنایت اعمال شده توسط عبدالباقی و تمام همدمانش در نهادهای حکومتی علیه مردم آبادان می باشد.

حکومت از اولین لحظات فروریختن متروپل، به جای بسیج نیروهای امدادگر برای نجات جان انسانهای مدفون زیر آوار، سرکوبگران گارد ویژه و نیروهای امنیتی، قضایی و سپاه و دیگر عواملش را برای سرکوب مردم به آبادان و به محل فاجعه گسیل داشت. چون می دانست که مردم داغدار آبادان بقیه کل عوامل سهیم در این جنایت را از شهردار آبادان گرفته تا دادستان و قوه قضائیه که طبق اعتراف رئیس کمیسیون عمران مجلس از مجرمان این پرونده هستند، خواهند گرفت.

حکومت بلافاصله همراه با نیروهای سرکوبش، مواجب بگیران در صدا و سیمایش را نیز برای انتشار اخبار دروغ و عوامفریبی روانه محل نمود.

در حالیکه زجه مادران داغدار شنیده می شد، یکی از مواجب بگیران فرومایه، خبرنگار صدا و سیما مقابل دوربین قرار می گیرد و با بی شرمی تمام که فقط خاصه چنین فرومایگانی در چنین سازمانی است، اعلام می کند که فقط چند نفر جراحی سطحی برداشته اند.

بعد از ساعاتی از طریق همین رسانه، دادستانی خوزستان اعلام می کند که چند نفر از جمله شهردار آبادان و حسین عبدالباقی صاحب متروپل بازداشت شده اند و روز بعد بی شرمانه اعلام می کنند که جسد عبدالباقی از زیر آوار بیرون آورده اند!

در یک نمایش رسوا و مشتملکننده دیگر یکی از عوامل سرسپرده را به عنوان مجروح نجات یافته ای که 30 ساعت در زیر آوار بوده بر روی تخت بیمارستان به بازی می گیرد، اما به یمن تکنولوژی و رسانه های اجتماعی خیلی سریع صدا و سیما بخاطر نمایش دروغین و عوامفریبانه اش رسوا می شود و به ناچار روز بعد بازیگر مفلوک خود را مقابل دوربین قرار می دهد تا بابت رسوایی به بار آورده از مردم عذرخواهی کند.

مردم داغدار آبادان چند روز است که علیه مسببین این جنایت و لاقیدی عامدانه حکومت نسبت به آن به خیابان آمده و

خویش می گذارد تا در مراسم مختلف از آن سود جویند این حق انکار نشدنی برای سوگواری، دادخواهی، اعتراض ها و مطالبات همه ی مردم ایران در عرصه های عمومی محفوظ است. ما خواهان این هستیم که بازداشت شدگان وقایع اخیر و همه ی زندانیان سیاسی به فوریت و بی هیچ قید و شرط آزاد شوند و به صادرکنندگان و مجریان فرمان های سرکوبگرانه می گوئیم ابزارهای کشتار و خشونت را به دور افکنند، زیرا در صورت بروز خشونت هایی که از دل آتش های زیر خاکستر رنج و فقدان سر بر می آورند، آنان آغازگر و مسبب اصلی وقایعی خواهند بود که فرهنگ و هنر این مرز و بوم با شعار خشونت پرهیزی، همواره قربانیان را از واکنش متقابل به آن برحذر

اعتراضات گسترده ای را براه انداخته اند.

در حمایت از مردم آبادان مردم شهرهای زیادی در استانهای خوزستان، فارس، قم، تهران، یزد و... نیز اقدام به تظاهرات و اعتراض کرده اند و همچنین کارگران پتروشیمی آبادان فراخوان اعتصاب در حمایت از مردم داغدار داده اند.

باید وسیعا از مردم داغدار آبادان حمایت کرد و فاجعه متروپل را به عنوان یک جنایت به حساب آورد و خواهان مجازات عوامل آن شد.

امضاء کنندگان این بیانیه ضمن ابراز همدردی با خانواده های داغدار و اعلام همستگی با مردم آبادان خواهان اقدامات فوری به شرح زیر هستند:

۱- دستگاههای امدادی دولتی باید فوراً با تمام امکانات پیشرفته برای نجات افراد زنده زیر آوار مانده و همچنین خروج قربانیان دست بکار گردند

۲- حسین عبدالباقی و همه همدمانش در هر ارگان و نهادی باید فوراً بازداشت شوند و در دادگاههای مورد تایید مردم مورد محاکمه قرار گیرند

۳- عزل فوری رئیس صدا و سیما و عذرخواهی این دستگاه رسانه ای از مردم به خاطر تمام دروغگویی ها و نمایشات عوامفریبانه طی سالیان طولانی بویژه در رابطه با فاجعه متروپل

۴- مداوای همه مجروحان تا کسب

بیش از 650 نفر از زندانیان سیاسی، خانواده های دادخواه، نویسندگان، شاعران و اهالی هنر و فرهنگ، فعالان کارگری، معلم ها، کنشگران حوزه های اجتماعی و سیاسی، اعضای تشکل ها، اتحادیه های صنفی و احزاب، روزنامه نگاران و اصحاب رسانه و تحلیلگران، وکلا، فعالان جنبش زنان و حقوق بشر

در بیانیه ای حق بهره مندی مردم از عرصه های عمومی برای بیان مطالبات و اعتراض هایشان را به رسمیت شناخته و هرگونه اعمال خشونت از سوی حاکمیت را محکوم کردند و به ظلم "نه" گفتند.

داشته است، قربانیانی که چنانچه امروز هم شاهدیم، در بسیاری مواقع ناگزیر به دفاع از خود و عزیزانشان شده اند.

ما هم به دادخواهی کشته شدگان متروپل آبادان همراه با همه ی مردم فریاد بر می آوریم "نه به ظلم! برگرفته از مدیای اجتماعی

بهبودی کامل و تامین هزینه های زندگی خود و خانواده هایشان تا زمانیکه بکار مناسب مشغول گردند.

۵- پرداخت خسارت به خانواده های قربانیان طبق معیارهای بین المللی و تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار گرفتن آنها

امضاها:

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، ندای زنان ایران، گروهی از فارغ التحصیلان بیکار دانشگاه رازی کرمانشاه، گروهی ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه، گروهی از مهندسان نرم افزار پاساز میرداماد کرمانشاه، گروهی از کارگران لوله کشی گاز سنندج، گروهی از کارگران ساختمانی سنندج، گروهی از دستفروشان خیابان فرح سنندج، گروهی از بازنشستگان تأمین اجتماعی و خدمات درمانی سقز، گروهی از کارگران نقاش ساختمانی سقز، گروهی از کارگران لوله کش ساختمانی سقز، گروهی از کارگران برق کار ساختمانی سقز، گروهی از جوانان بیکار محله تپه شافعی سقز، گروهی از جوانان بیکار محله کریم آباد سقز، گروهی از جوانان بیکار محله تپه مالان سقز، گروهی از جوانان بیکار محله بردبران سقز، گروهی از کارگران فصلی شهر دماوند.

برگرفته از مدیای اجتماعی

وضعیت معلمان زندانی و کارزار برای آزادی معلمان در بند



معلمان استان فارس پس از ۲۱ روز بازداشت آزاد شد. آزادی او نتیجه کارزاری گسترده برای آزادی همه معلمان زندانی است. آزادی مهرداد یغمایی را به او و به همه معلمان و همگان تبریک می‌گوییم. مرزبان باقری، محمد عالیشوندی، اصغرامیرزادگان، غلامرضا غلامی کندازی، حمید عباسی، عبدالرزاق امیری، محمد علی زحمتکش و ایرج رهنما از دیگر معلمان زندانی از استان فارس هستند. علاوه بر این افراد همانگونه که اشاره شد هم اکنون محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، رسول بدایقی، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی، نوروز علی‌رشیدی، مسعود فرهیخته و مجید کریمی از جمله معلمان هستند که در فاصله ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر تا کنون در زندان بسر می‌برند. معلمان زندانی، کارگران دربند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

جنبش معلمان یک سنگر مهم جنبش کارگری و صدای اعتراض همه مردم است. جمهوری اسلامی با تشدید سرکوبگری‌ها تلاش میکند اعتراضات قدرتمند معلمان را عقب براند. از خواسته‌ها و مبارزات معلمان باید وسیعاً حمایت کنیم. با قدرت مبارزاتمان سرکوبگریهای حکومت را عقب بزنیم. اعتراض سراسری ما میتواند فشار را از روی سر معلمان و بویژه معلمان زندانی بردارد و کاری کند که معلمان زندانی مجبور نباشند به شیوه اعتصاب غذا اعتراضشان را بیان کنند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو)

۱۲ خرداد ۱۴۰۱، ۲ ژوئن ۲۰۲۲

Shala.danesfar2@gmail.com

/free-them-now.com/

با خانواده داشته است. مسعود فرهیخته از اعضای هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر و تیم مذاکره کننده شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران است که روز سه شنبه ۱۰ خرداد در سندانج دستگیر شد. این تجمع در اعتراض به ادامه دستگیریها و تشدید سرکوبگری های حکومت برگزار شده بود. - ۱۵ نفر از معلمان در حمایت از معلمان زندانی و در اعتراض به پرونده سازی علیه فعالان صنفی و به ویژه در همراهی با اعتصاب غذای سخنگوی شورای هماهنگی اسکندر لطفی اعلام اعتصاب کردند. در این بیانیه خواستار این شده اند که با حمایت از کنشگران صنفی و نیز حمایت از سخنگوی شورای هماهنگی و دیگر معلمان زندانی مانع انجام پروژه های سرکوبگرانه علیه آنها گردند. امضاء کنندگان این بیانیه عبارتند از: "محسن عمرانی/ بوشهر، محمدرضا رمضانزاده/ خراسان شمالی، عزیز قاسم زاده/ گیلان، طاهر قادر زاده/ کردستان، عبدالله رضایی/ هرسین، رضا مسلمی / همدان، آمانج امینی / کردستان، مرتضی الیاسی / لرستان، پروین اسفندیاری / تهران، اصغر حاجب/ بوشهر، خان عزیز اسماعیلی / اسلام آباد غرب، یعقوب یزدانی/ خراسان شمالی، اردشیر صیادی/ بوشهر، وحید میرشکار / تهران، ولی میرزا سیدی / تهران، پروین سلیمی / تهران، مرضیه طلالی / کردستان، شهرزاد قدیری / تهران، مهدی فتحی / پاسارگاد، محمود ملاکی / بوشهر، احمد قادری / کردستان، زینب سپهری / تهران، صلاح آزادی / کردستان، محمد حسن پوره / تهران، معصومه دهقان / تهران، فرزانه داودپور / کرج، فرامرز خدانشناس/ تهران، شهریار نادری / کرمانشاه، و محبوبه فرحزادی / تهران.

- روز ۱۱ خرداد مهرداد یغمایی از

محکوم شد.. سپس در حالیکه ماه های پایانی دوران محکومیت پنج سال اش را طی میکرد در سال ۹۹ با اجرای حکمی مواجه شد که در سال ۹۰ صادر و به حالت تعلیق در آمده بود.

- بنابر اخبار واصله به دنبال پیگیری های مجدد خانم سمانه عابدینی همسر جعفر ابراهیمی بازرس شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، علی رغم تامین وثیقه، قرار بازداشت او بدون زمان مشخص تمدید شده است. جعفر ابراهیمی با وجود اتمام بازجویی ها در هفته ی گذشته، به قصد فشارهای بیشتر مجدداً زیر بازجویی قرار گرفته است. از شنبه هفتم خرداد تماس جعفر ابراهیمی با خانواده اش قطع است.

- محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان بنا به گفته بازپرس و بازجوی پرونده اش، قرار بود با سپردن وثیقه به طور موقت آزاد شود. اما چهارشنبه ۱۱ خردادماه، قرار بازداشت او به مدت یک ماه دیگر تمدید شد. محمد حبیبی به اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» متهم شده و هم‌اکنون در یکی از اتاق‌های عمومی بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین در کنار ۱۲ متهم با اتهامات غیرعقیدتی نگهداری می‌شود. محمد حبیبی در این هفته با خانواده اش یک تماس تلفنی و دو ملاقات کابینی داشته است. محمد حبیبی ۱۰ اردیبهشت سال جاری به همراه علی‌اکبر باغانی، رسول بدایقی و جعفر ابراهیمی، سه تن دیگر از اعضای کانون صنفی معلمان تهران بازداشت شد و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل گردید. این بازداشت یک روز قبل از تجمع سراسری معلمان در بیش از ۴۰ شهر در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان انجام شد. نهادهای امنیتی تلاش می‌کنند تا فعالان صنفی بازداشت‌شده را به اتهام «همکاری با دشمن» و «گرفتن دستور از خارج از کشور» مجازات کنند. معلمان با کارزاری گسترده علیه این سرکوبها ایستاده اند.

- عصر روز چهارشنبه ۱۱ خرداد مسعود فرهیخته که در تجمع معلمان در دهم خرداد بازداشت شده بود، تماس کوتاهی

- امروز ۱۲ خرداد رسول بدایقی با خانواده خود تماس گرفت و اعلام کرد که در بند عمومی است و معلم بازداشتی فرانسوی را به بند دیگری منتقل کرده اند. بنا بر خبر حکومت اسلامی سول بدایقی را به ۵ سال زندان، دو سال ممنوع الخروجی، ۲ سال خروج اجباری از تهران و استان های هم جوار محکوم کرده و این حکم ظالمانه در دادگاه تجدید نظر رژیم نیز مورد تایید قرار گرفته است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن اعتراض به این حکم ضد انسانی، بر باطل شدن آن تاکید کرده است.

- فاتح مجیدی، معلم اخراجی و فعال کارگری در اعتراض به تداوم بازداشت غیرقانونی و بلا تکالیفی وضعیتش، وارد چهارمین هفته از اعتصاب غذای خود شده است. او در هفتم اردیبهشت ماه بازداشت شد. و پیشتر نیز ۸ سال در زندان رجایی شهر کرج زندانی بوده است.

- اسماعیل عبدی، فعال صنفی معلمان دوران محکومیت خود را بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در بند قرنطینه زندان کچوئی کرج سپری می‌کند. آقای عبدی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه در اعتراض به نپذیرفتن درخواست اعاده دادرسی و دستگیریهای فله ای اعتصاب غذا کرده و در ششمین روز اعتصاب از زندان مرکزی کرج به زندان کچوئی این شهر منتقل شد. بنا بر خبرها به عبدی اعلام شده بود که در خوشبینانه ترین حالت، ارجاع پرونده وی به دیوان عالی کشور مستلزم سه سال زمان است و در اعتراض به این گفته او دست به اعتصاب غذا زده است. اسماعیل عبدی نهایتاً در تاریخ ۲۴ اردیبهشت بدنبال وعده هایی که به وی داده شد، به اعتصاب غذای خود پایان داد. از آن زمان تاکنون این معلم معترض بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در سالن ۱ بند قرنطینه این زندان نگه داشته شده است. اسماعیل عبدی در تاریخ ششم تیرماه ۹۴ زمانی که برای پیگیری علت ممنوع الخروج بودن خود به دادسرای اوین مراجعه کرده بود پس از ساعت ها بازجویی، بازداشت شد و بعد از ۶ ماه حبس به ۵ سال زندان

تجمعات بزرگ و سراسری بازنشستگان

مرگ بر رئیسی



روز شانزدهم خرداد ماه بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به مصوبه هیات وزیران مبنی بر محدود کردن افزایش حقوقهایشان به ۱۰ درصد و طبق فراخوان قبلی دست به تجمع سراسری زدند. این مصوبه بطور ناگهانی در پانزدهم خرداد تصویب شد و آتشی بر خشم و اعتراض بازنشستگان زد.

ماجرای این قرار است که بنا بر مصوبه هیأت وزیران حقوق بازنشستگان فقط ده درصد افزایش می یابد و مصوبه شورای عالی کار مبنی بر افزایش ۵۷ درصدی دستمزدها که خود نیز باز هم دستمزدی چند بار زیر خط فقر را برای کارگران رقم زده است، شامل حال بخش بزرگی از بازنشستگان نمیشود. بنا بر مصوبه هیات وزیران تنها بازنشستگان حداقل بگیری که سی سال کار کرده باشند مشمول افزایش ۵۷ درصدی حقوق خواهند بود که بخش کوچکی را تشکیل میدهند. بعلاوه بنا بر این مصوبه بازنشستگانی که حداقل بگیر باشند و بیش از ده سال کار کرده باشند، ده درصد بعلاوه ۶۵۰ هزار تومان افزایش حقوق خواهند داشت. و بالاخره تاکید شده است که هیچ کس نباید زیر ۵ میلیون دریافت کند. این درحالیست که چند ماه قبل کارگران خط فقر را ۱۶ میلیون اعلام کردند و اکنون با سونامی گرانی، اوضاع وخامت بیشتری پیدا کرده است.

در اعتراض به این وضعیت است که در روز شانزدهم خرداد در شهرهای مختلف بازنشستگان به خیابان آمدند و علیه دولت و رئیسی و اختلاسها و دزدیها شعار سر دادند و با فریاد "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، بر پیگیری حق و حقوقشان تاکید کرد.

به گفته بازنشستگان این مصوبه کودتایی علیه معیشت آنها و رها شدنشان در کام سونامی گرانی است. در تجمعات این روز جمعیت های بزرگی در شهرهای مختلف شرکت داشتند و حضور زنان چشمگیر بود. در برخی شهرها از جمله در تبریز، شوش و اهواز بازنشستگان

دست به راهپیمایی زدند و شعار های اعتراضی شان بر فضای شهر طنین انداخته بود. بنا بر گزارشات تا کنونی تجمعات در این شهرها در مقابل تامین اجتماعی برگزار شده است: تهران، کرمانشاه، قزوین، اصفهان، اراک، کرج، شوشتر، اهواز، مشهد، کرمان، رشت، شیراز، دزفول، تبریز، زنجان، بندر ماهشهر، بجنورد، خرم آباد، اردبیل، ارومیه و بندرعباس.

- در اراک جمعیت بزرگی از بازنشستگان تجمع داشتند و با خواندن سرود تاریخی "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" اعتراض خود را به کل سیستم حاکم اعلام داشتند. سرودی که قبلا در همین شهر توسط کارگران هپکو خوانده شده بود.

در تبریز بازنشستگان دست به راهپیمایی زده و جمعیت آنان فاصله بین میدان ساعت و چهار راه آبرسان را پر کرده بود. بنا بر خبر در بعضی جاها مردم نیز به نشانه حمایت وارد صف آنها شده و شعار میدادند. لباس شخصی های بسیاری در محل و فضای امنیتی بودند. اما جمعیت بزرگ بازنشستگان در خیابان در حرکت بود و فریاد مرگ بر رئیسی بر فضای شهر طنین انداخته بود. در این راهپیمایی بازنشستگان شعار میدادند: "دروغ میگو آمریکاست، دشمن ما همین جاست".

- در تهران در حالیکه بازنشستگان برای تجمع گرد می آمدند با سد نیروهای امنیتی روبرو شدند. بنا بر اخبار منتشر شده تعداد زیادی از بازنشستگان در تهران توسط مأموران امنیتی مرد و زن دستگیر و با چند ون به مکان نامعلومی منتقل شده اند. خبرهای تکمیل بعدا گزارش میشود.

- در کرمانشاه بازنشستگان در برابر اداره کل تامین اجتماعی تجمع کردند و با شعار های "نگ ما ننگ ما وزیر الدنگ ما"، "مرگ بر رئیسی" فریاد اعتراضشان را بلند کردند و در خاتمه بر ادامه تجمعات اعتراضی خود در روزهای آینده تاکید نمودند.

- در شوشتر بازنشستگان تأمین اجتماعی با شعارهای "رئیس حیا کن مملکتو رها کن"، "بازنشسته داد بز، حق تو فریاد بز" در سطح شهر دست به راهپیمایی اعتراضی زدند.

در قزوین جمعیت بزرگی از بازنشستگان گرد آمده بودند و شعار میدادند: "نگ ما، ننگ ما، وزیر الدنگ ما"، "وزیر بی لیاقت! ننگت باد، ننگت باد"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، دولت خیانت می کند، مجلس حمایت می کند، "تورم ۱۰۰٪، افزایش ۱۰٪"

در اصفهان بازنشستگان شعار میدادند: "نگ ما، ننگ ما، وزیر الدنگ ما" بی شرف دروغگو حاصل وعده هات کو

- در اهواز جمعیت بازنشستگان معترض میدان و بلوار کارگر و همچنین محوطه تامین اجتماعی را پر کرده بود و دست به راهپیمایی زدند و فریاد وزیر بی لیاقت استعفا، استعفا، و شعارهای اعتراضی کارگران در شهر طنین انداخته بود. و این شعاری بود که در دیگر شهرها و در ماهشهر نیز از سوی کارگران سر داده

شد. - در دزفول بازنشستگان با شعار تورم ۱۰۰ درصد، افزایش ده درصد و در رشت با شعار "دولت انقلابی، وعده های پوشالی" اعتراض خود را به سطح ناچیز حقوقها، سونامی گرانی و وعده های پوشالی دولت اعلام داشتند. در بندرعباس نیز جمعیت چشمگیری مقابل تامین اجتماعی جمع شده و شعار میدادند. در شیراز جمعیت برای بیان اعتراضشان به فقر بصورت نمادین سفره خالی ای را تشییع جنازه کردند.

بازنشستگان تامین اجتماعی مدتهاست با خواست افزایش حقوقهایشان به میزان نرخ واقعی سید معیشت و دیگر مطالبات خود در اعتراض و مبارزه هستند. درمان رایگان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن برای همه، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی اسماعیل گرامی، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگان از جمله دیگر مطالبات اعلام شده بازنشستگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰۲۲ مه ۶، ۱۴۰۱ خرداد ۱۶

گزارش تکمیلی از تجمعات سراسری بازنشستگان

تجمعات بر اساس گزارشات منتشر شده در بیش از ۲۰ شهر از جمله در شهرهای تهران، کرمانشاه، قزوین، اصفهان، اراک، کرج، شوشتر، اهواز، مشهد، کرمان، رشت، شیراز، دزفول، تبریز، زنجان، بندر ماهشهر، بجنورد، خرم آباد، اردبیل، ارومیه و بندرعباس برگزار شد.

در ارومیه بازنشستگان با قرائت بیانیه ای بر افزایش سالانه مستمری ها بر اساس نرخ واقعی تورم و هزینه های معیشتی تا

کید کردند. در تهران علیرغم مقابله نیروی سرکوب حکومت و دستگیریها بازنشستگان مقابل وزارت کار تجمع کردند و با شعار وعده و وعید کافیه، سفره ما خالیه، پیگیر مطالباتشان شدند.

در کرج بازنشستگان با شعار گرانی، تورم، بلای جان مردم، اعتراض خود را به سونامی گرانی که درد همه مردم است بیان کردند.

نامه آموزش بین الملل در اعتراض به دستگیر و حبس

باینه: کودتای دولت علیه بازنشستگان تامین اجتماعی

معلمان به خامنه ای

بروکسل، دوم ژوئن ۲۰۲۲

این نامه را به نمایندگی از سوی آموزش بین الملل (EI)، فدراسیون جهانی اتحادیه های بخش آموزش که ۳۲ میلیون کارگر آموزش و پرورش را در ۱۷۸ کشور و منطقه، از جمله ایران، نمایندگی می کند، به شما می نویسم تا به این وسیله دستگیری ده ها نفر از فعالین صنفی معلمان در اول ماه مه، که روز جهانی کارگران در سراسر جهان است را محکوم کنم. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه دستگیرشدگان هستیم.

ده ها نفر از معلمان در شهرهای مختلف ایران به طور ناعادلانه و به دلیل فعالیت های مسالمت آمیز که مورد حمایت قوانین جهانی است، دستگیر و زندانی شده اند. سال هاست که معلمان ایران با صدای بلند مطالبات به حق خود را برای تحقق شرایط کاری شایسته و به رسمیت شناخته شدن حقوق اولیه خویش به عنوان کارگر و شهروند، اعلام کرده اند.

در همه جوامع، حق تجمع مسالمت آمیز و حق ایجاد تشکل از حقوق بنیادی به شمار می رود. دستگیری و بازداشت فعالان صنفی که از این حقوق استفاده می کنند، سوءاستفاده آشکار از قدرت است و به معنای نقض مقاله نامه ۸۷ سازمان جهانی کار (ILO) مبنی بر آزادی ایجاد تشکل و حمایت از حق سازماندهی، و مقاله نامه ۹۸ سازمان جهانی کار سازمان مبنی حق تشکل و انعقاد پیمان های دسته جمعی است. دولت ایران باید به مطالبات مردمی و

مشروع از طریق گفتگو و سیاست گذاری پاسخ دهد و نه با توسل به سرکوب. آموزش بین الملل (EI) به ویژه نگران دستگیری و زندانی کردن تعداد بسیار زیادی از نمایندگان کانون ها و انجمن های صنفی فرهنگیان در اقصی نقاط کشور است. آن ها معلمان دلسوزی هستند که به امر آموزش و بهروزی دانش آموزان و نسل های آینده ایران تعهد دارند.

این نمایندگان عبارتند از: جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، اسکندر لطفی، رسول بدافی، اصغرامیرزادگان، محمد عالیشوندی، محمدعلی زحمتکش، عبدالرزاق امیری، مهرداد یغمایی، حمید عباسی، غلامرضا غلامی کندازی، هادی صادق زاده، ایرج رهنما، مجید کریمی، مسعود فرهیخته، ایرج انصاری، وحید گودرزی، صلاح آزادی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه.

ما هم چنین بار دیگر در خواست اتحادیه های بخش آموزش در سراسر جهان برای آزادی #اسماعیل_عبدی، دبیر سابق کانون صنفی معلمان تهران، که با اتهامات ساختگی تا سال ۲۰۳۱ به زندان محکوم شده است را این جا تکرار می کنیم. تحمل زندان طولانی مدت و بد رفتارهایی که در زندان با اسماعیل عبدی صورت گرفته، سلامتی ایشان و خانواده اش را به شدت تحت تاثیر قرار داده است.

آموزش بین الملل از دولت ایران می خواهد:

- همه ی فعالین اتحادیه های صنفی و مدافعان حقوق انسانی که در حبس هستند را بدون قید و شرط آزاد کند و همه اتهامات نسبت داده شده به آن ها را ملغی اعلام نماید.

- به حقوق معلمان و کارکنان بخش آموزش از جمله حق آن ها در آزادی برای ایجاد تشکل، حق برگزاری تجمع مسالمت آمیز و حق بر خوردهاری آزادی بیان، بدون ترس از مداخله ی مقامات حکومتی، احترام بگذارد و آن را رعایت کند.

بعد از ۴۰ روز تعلق عامدانه و نقشه کشی های پشت پرده دولت برای زیر پا گذاشتن مصوبه شورای عالی کار که نهادی رسمی و حکومتی است بالاخره پرده ی قصور و خودداری برنامه ریزی شده دولت در امضاء نکردن مصوبات افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی بالا رفت و در روز تعطیلی ۱۵ خرداد در حرکتی ناگهانی و غیر منتظره دولت افزایش حقوق سایر سطوح بازنشستگان این سازمان را که حداقل باید ۳۸٪ به اضافه مبلغ ماهیانه ۵۱۵ هزار تومان باشد، زیر پا گذاشت و به ۱۰٪ تقلیل داد.

دولت بر مقدرات سازمانی که دخل و خرجش هیچ ربطی به او ندارد قلدرانه چنگ انداخته و با دست اندازی به منابع آن تا کنون بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است و از تسویه دیونش سر باز میزند، اکنون بازنشستگان می پرسند با توجه به این وضعیت به چه حق و منطق قانونی این ابربدکار به سازمان اینگونه مداخله گرانه و به شیوه ای کودتاگرانه با معیشت و زندگی بازنشستگان تامین اجتماعی بازی میکند!؟

کانون های بازنشستگی و شورای عالی

- گفتگو با نمایندگان تشکل های معلمان و کارکنان بخش آموزش در مورد مسایل مربوط به سیاست های آموزشی و مسایل مربوط به معلمان را به امری نهادینه تبدیل کند.

- به حقوق و حریم خصوصی اعضای خانواده رهبران و فعالین زندانی احترام بگذارد و امنیت و سلامتی آن ها را تضمین کند.

آموزش بین الملل منتظر دخالت فوری شما در مورد این موضوع جدی می باشد. در عین حال، ما وقایع اخیر را به اطلاع سازمان جهانی کار و یونسکو خواهیم رساند و هم چنان وضعیت فعالین صنفی معلمان را به دقت پیگیری خواهیم کرد.

این کانون ها هم که بنا به تعریف وظیفه دفاع از منافع بازنشستگان را بعهده داشته اند طی سالیان طولانی کارشان مماشات با جناح های قدرت و چشم پوشی از مداخلات و تعرضات دولت ها به منابع و امکانات سازمان تامین اجتماعی بوده و نتیجه کارشان به مسلخ بردن زندگی بازنشستگان به درگاه منفعت های سیری ناپذیر دولت ها بوده است.

ما بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی این حرکت غیرمعمول، ظالمانه و غیرقانونی را که با زیر پا گذاشتن و بی توجهی به مصوبات خودشان بصورت ناگهانی و با تعلق ۴۰ روزه بوجود آورده اند کودتای دولت علیه زندگی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی میدانیم و خواهان بازپس گیری فوری این اقدام و عدم مداخله مخرب دولت در زندگی معیشتی خود هستیم.

بی تردید مصوبه غیر قانونی دولت، از طرف بازنشستگان این سازمان بی پاسخ نخواهد ماند و تا پیگیری لغو آن و دستیابی به حقوق واقعی خود دست بردار نیستیم.

شورای بازنشستگان ایران

۱۶ خرداد ۱۴۰۱

با احترام،

دیوید ادواردز

دبیر کل آموزش بین الملل

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست